



بدیل مردمی ۳  
۵

امسال روز جهانی زن چگونه گذشت ۳  
۱۱

کابوس مالی در حال ورود (۱) ۳  
۶

ایران در سالی که گذشت ۳  
۸

نقش منصور حکمت در جنبش کمونیستی (۴) صفحه آخر    نوروزتان پیروز صفحه آخر    به یاد رفیق فریبرز رئیس دانا صفحه ۱۱

### ویروس کرونا و سرمایه داری

#### کرونا، ماهیت نفرت انگیز سرمایه داری را بر ملا میسازد

بیماری کرونا (کووید ۱۹) در دسامبر ۲۰۱۹ در چین ظاهر شد و در زمانی کوتاه گوشه و زوایای جهان را درنوردید. بدین گونه اکثریت جمعیت جهان به ویژه طبقه کارگر و زحمتکش علاوه بر معضل حاکمیت نظام سرمایه داری امپریالیستی، با خطر مرگبار دیگری نیز دست به گریبان گردید. سازمان جهانی بهداشت در روز ۱۱ ماه مارس اعلام کرد که حدود ۱۲۰ هزار نفر در بیش از ۱۰۰ کشور به کرونا مبتلا شده اند و ۴۰۰۰ نفر جان باخته اند.

این ارقام به هیچ وجه واقعیت ابعاد فاجعه را در آن تاریخ نشان نمیدهد. دولتها واقعیت را پرده پوشی میکنند. پلیس ترکیه ۱۹ نفر را به جرم شایعه وجود

صفحه ۲

### قطعنامه: مبارزه علیه ویروس کرونا

**پنجم:** از آنجا که تحت عنوان توطئه آمریکایی افکارعمومی را از آنچه بطور واقعی اتفاق افتاده دور میسازد و میخواهد ندانم کاری و بی عملی خود را بپوشاند،

**ششم:** از آنجا که ناتوانی در کشف و جلوگیری از بروز این ویروس و لاپوشی و دروغ پردازی و مقابله با آن در ماهیت نظام سرمایه داری است و در عمل مردم دنیا شاهد عملکرد آن حتی در پیشرفته ترین کشورهای جهان همچون آمریکا هستند،

**هفتم:** از آنجا که راه رهایی از این بحران عظیم اجتماعی یک امر همگانی جامعه ی مدنی می باشد و تنها با شرکت فعال وسیعترین توده های مردم امکان پذیراست و این امر بدون مبارزه با نظام سرمایه داری و امپریالیسم جهانی میسر نیست،

**هشتم:** از آنجا که ادامه این بحران، ناتوانی نظام

صفحه ۲

**یکم:** از آنجا که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، نظامی است دینی، خرافاتی، درمانده و در این چهار دهه سلطه دیکتاتوری ولایت فقیه؛ فقر عمومی را گسترده است،

**دوم:** از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی در دوران سلطه اش بزرگترین دشمنی را با محیط زیست کشور بعمل آورده و در برابر سیل، زلزله، خشک سالی و شن ریزها ناتوانی نشان داده است،

**سوم:** از آنجا که این رژیم برای کشیدن افراد به پای صندوق های رای از دادن موقع اطلاعات درست در بروز این بیماری سر باز زده است،

**چهارم:** از آنجا که صنف روحانیت حاکم به جن، معجزه و مشیت الهی اعتقاد دارد و توانایی استفاده از ظرفیت و امکانات علمی برای مبارزه علیه این بیماری خامان سوز را ندارد و تسلیم طلبی در برابر این بیماری را در پیش گرفته است،

### کرونا در ایران

کنترل جامعه در دوران سرتاسری شدن این بیماری بودند.

عدم آمادگی و عقب ماندن رژیم از وضعیت پیش آمده و عدم پیشگیری به موقع، با فوت تعدادی از شهروندان در قم و بالا رفتن سریع مبتلایان و آمار درگذشتگان در دیگر شهرهای ایران خود را نشان داد. تا زمانی که این مطلب نوشته شده است دولت تعداد فوت شدگان ویروس کرونا را ۸۵۳ نفر و مبتلایان را ۱۴-۱۵ هزار نفر اعلام کرده است.

با آلوده شدن اکثر شهرهای ایران به ویروس کرونا و بعد از مدتی تاخیر خامنه ای رهبر رژیم اسلامی، فرمان ایجاد ستاد مبارزه با ویروس کرونا را به فرمانده سپاه پاسداران صادر کرد. آنهم در زمانی که پزشکان، پرستاران و کادرهای پزشکی در سخت ترین شرایط و با آگاهی از خطر این ویروس، به

صفحه ۴

رژیم جمهوری اسلامی بر طبق سنت های همیشگی اش و بر اساس منافع بالائی ها، بالاخره بعد از انتخابات مجلس، اعلام کرد که در ایران هم ویروس کرونا تعدادی را مبتلا کرده و این بیماری در حال شیوع است. سخنگویان رژیم اسلامی حتی ابعاد آنرا هم از مردم پنهان کردند. زمانی حاکمیت مجبور شد که به حقایق بهداشتی و پزشکی تن بدهد که کار از کار گذشته بود و هزاران نفر از مردم در شهرهای مختلف ایران آلوده به ویروس کرونا شده بودند. دولت با سکوت و برخورد های کج دار و مریز عملا به جو اضطراب عمومی دامن زده است. پنهان کاری رژیم نتیجه اش ناآگاهی از سیر شتابانی بود که ویروس کرونا درحال همه گیر شدن و کشتار بود. مسئولین رژیم ولی با آگاهی از روند رشد سریع این ویروس در اقصا نقاط جهان، بیش از آنکه به فکر جان مردم باشند به فکر برنامه ریزی برای

### ضرورت کار مخفی و علنی از.....

ضرورت کارمخفی وعلنی از شرایط اجتماعی و واقعیت تاریخی جوامع بر می خیزد.

وجود طبقات و مبارزه طبقاتی از زمان ظهور طبقات در جوامع انسانی نشان می دهد که نیروی محرکه ای که جامعه را به جلو می برد وجود طبقات و تضاد طبقاتی است. مارکس و انگلس در مانیفست حزب کمونیست آشکارا از مبارزه ای آنتاگونیستی که طبقه ای، طبقه دیگری را از قدرت به زیر می کشد و خود قدرت را به کف می گیرد و دیکتاتوری طبقاتی خود را مستقر می سازد سخن می گویند. با تاکید و گواهی فردریش انگلس بزرگترین کشف مارکس همین نکته است که مبارزه طبقاتی تا حدی تکامل می یابد که شرایط برای انقلابی دیگر فراهم می شود یا عبارتی دیگر طبقه ای طبقه دیگر را از

صفحه ۵



### قطعه‌نامه: مبارزه علیه ویروس کرونا

سرمایه داری و کلیه دستگاه‌های دینی جهانی است و لذا در بُعدی سراسری و طولانی مدت ادامه خواهد یافت.

**نهم:** از آنجا که قدرت‌های حاکم چنانچه خود را برای برتری نظامی آماده می‌کنند و احتمال یک جنگ بیوشیمیایی هر روز زیادتر می‌شود، **دهم:** از آنجائی که تاریخ را مردمان ستم دیده و استثمار شده میسازند و در این مورد مشخص نیز همان‌ها هستند که مبارزین واقعی علیه این ویروس می‌باشند و بالاترین تعداد قربانی را نیز داده‌اند.

لذا ما برآنیم که گورکنان سرمایه، کارگران و توده‌های عظیم مردم، تنها نیرویی هستند که می‌توانند بشریت را با ایجاد طرحی نو که در آن استثمار انسان از انسان، تبعیض بهر صورت و بهر شکل محو شده باشد از این نوع فجایع عظیم نجات دهند. حزب رنجبران ایران معتقد است که با ایجاد تشکیل شوراهای کارگری، شوراهای اصناف مختلف، ایجاد گروه‌های همیاری و با استفاده از دستاوردها و امکانات علمی، قرار گرفتن در صف اول مبارزه در این جبهه مرگ و زندگی، با افشای همه جانبه رژیم فرامانده و جنایتکار سرمایه داری جمهوری اسلامی، می‌توان شرایط را برای ریشه‌کن کردن این ویروس مهلک مهیا ساخت.

حزب ما وظیفه خود می‌داند با تمام امکانات از گرایش عمومی توده‌ها در ایجاد شوراهای تشکلی مردمی برای کمک متقابل پشتیبانی کند. به خلق خدمت کردن شعار همیشگی حزب ما بوده و امروز همچنان راهنمای ما در کار میان توده‌ها است. بر ملا کردن کمبودها و کوتاه کردن دست ماموران دزد و چپاولگر حکومتی جزء چنین خدمتی است که ما را از مؤسسات خیریه جدا می‌کند و از این طریق است که توده‌ها به نیروی لایزال خود پی می‌برند و شوراهای ایزاری معتبر و توانا برای رسیدن به هدف‌های والاتر تبدیل می‌شوند.

برای رهایی از بلای ویروس و جمهوری اسلامی در سراسر ایران متشکل شویم  
برای رهایی از بلای ویروس و نظام سرمایه داری در سراسر جهان متحد شویم

زنده باد سوسیالیسم

حزب رنجبران ایران نوروز ۱۳۹۹

### ویروس کرونا و سرمایه داری

ویروس کرونا دستگیر کرد. روز بعد معلوم شد که در ترکیه مبتلایان به این بیماری اندک هم نیستند. ۱۹۱ نفر در ۱۱ مارس، امروز به ۹۴۷ مبتلا رسیده است.

در ایران نیز در جریان انتخابات و شایعه ویروس کرونا، تعدادی را دستگیر کردند، ولی با سرعت ابعاد فاجعه خود را نشان داد. بعد سعی نمودند تعداد مبتلایان را اندک نشان دهند. اکنون در ایران صدها هزار نفر مبتلا هستند و دهها هزار نفر جان داده‌اند.

در ایالات متحده آمریکا نیز سندرز از مخفی کاری ترامپ در مورد شیوع بیماری کرونا انتقاد کرد. و بعد شهردار نیویورک در ۱۱ مارس افشا نمود که فقط در شهر نیویورک بیش از ۴۰۰۰ کرونائی وجود دارد.

چرا دولتها سعی میکنند تعداد بیماران و مبتلایان را کمتر از آن چه هست بنمایانند؟

انسان بالاترین محصول جهان مادیست. مغز انسان بجزئی‌ترین پدیده تا به حال شناخته شده جهان است و توانائی آن را دارد تا بر کل جهان مادی حاکم شود. اما همین انسان در چمبره نظامی گیر کرده است که با فشار حداکثر بر اکثریت مردم جهان، رفاه اقلیت را تضمین میکند. داس مرگ کرونا نیز در این نظام اساساً اکثریت کار و زحمت را درو میکند.

سرمایه داری خواهان بالاترین امنیت در جامعه است. او در این امنیت میتواند به استثمار خوفناک خود از نیروی کار ادامه دهد و به هیچ عاملی که این امنیت را خدشه دار کند اجازه حیات نمیدهد. زیرا این عامل میتواند پروسه تولید را متوقف کند، که در ادامه آن کلیه احاد زندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه بورژوازی، از هم میپاشد. لذا سرمایه داری در تمام کشورها به مردم دروغ میگوید و بعد مجبور میشود به بخشی از واقعیت اقرار کند و اقداماتی در زمینه سلامت عمومی به عمل آورد که دیگر دیر شده و یا مصیبت ابعاد فاجعه آمیزی گرفته است.

در تمام کشورهای جهان، بسیاری از مؤسسات اجتماعی مثل دانشگاهها، مدارس، رستورانها، جوامع تفریحی و ورزشی و غیره را اجباراً تعطیل کرده‌اند ولی در مؤسسات تولیدی که در آنها میلیونها کارگر صنعتی و خدماتی مشغول هستند، با سرسختی روند تولید ادامه دارد. در این شرایط بحرانی که خطر مرگ در تجمعات، بسیار بالاست، کارگران باید در کارخانه‌ها و کارگاهها برای پرور شدن سرمایه داران ارزش اضافه تولید کنند.

ولی کارگران نه تنها برای خود بلکه برای خانواده‌های خود و برای سلامت کل جامعه میبایست کار را تعطیل کنند. این امر فقط با مبارزه میتواند اعمال شود. کارگران هواییما سازی ایربوس در آلمان، اسپانیا، انگلستان و چین، با اعتصابات خود کارفرمایان را مجبور کردند که بخشی و فقط

بخشی از تولید را تا چند روز متوقف کنند. قرار بر این شد که در روزهای آینده همین کارگران با تجهیزات بهداشتی بالاتری به تولید ادامه دهند. در کارخانه مرسدس بنز در آلمان و آمریکا نیز همین پروسه جریان دارد تا به حدی که فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری به نمایندگی بیش از ۱۰۰ میلیون عضو کارگری در سراسر جهان، حمایت خود را از مبارزه کارگران در سطح بین‌المللی که با پیامدهای شیوع ویروس کرونا با خطر بیماری و حقوق کاری خود روبرو هستند، ابراز میدارد. ولی کارگران فکری اکثراً از امکان تعطیلی حتی یک روز هم برخوردار نیستند. آنها میتوانند با کمک تکنولوژی امروزه - کمپیوتر و اینترنت - کارهای اداری خود را در خانه انجام دهند. در اینجا فقط محل کار عوض شده است و این تعویض محل کار تأثیر بسیار منفی در مناسبات افراد خانواده میگذارد.

امروزه تمام تلاش سرمایه داری در سطح بین‌المللی و در تمام کشورها این است که نیروی کار و قابل استثمار در سلامت کامل در پروسه تولید فعال باشد. و برای این کار به شیوه خود عمل میکند. کنترل نظامی شهرها و روستاها، اجبار نظامی مردم به رعایت اصول تدافعی در مقابل ویروس کرونا. این شیوه از کار شرایط فاشیستی شدن روز افزون این دولتها را فراهم می‌آورد. مردم به آگاهی در مقابل این ویروس و اقدامات واقعی جهت بهداشت و سلامت خود نیاز دارند و نه اقدامات زورگویانه نظامی که دولتها در پیش گرفته‌اند البته درخواست سلامت کامل نیروی کار در مورد نیروی کار پیدی و فکری، صنعتی و اداری شرکتهای عظیم بین‌المللی صادق است. مؤسسات کوچک از قبیل دکانداران در شهرها و روستاها از این موهبت برخوردار نیستند. آنها محکوم به ورشکستگی هستند. مثلاً در ایتالیا تمام مغازه‌ها را بستند و هیچ مرکزی نیز از آنها حمایت مالی نمیکند. در آلمان بسیاری از صاحبان سرمایه کوچک در حال ورشکستگی هستند. و این روند منطبق است با درخواست ابرکنسرنهای بین‌المللی. این مؤسسات کوچک احساس میکنند که از جامعه انسانی طرد شده و تنها هستند.

ولی واقعیت این است که با تهاجم بیماری کرونا در جهان و مبارزه کارگران در جهت دوری از این بیماری، تولید بین‌المللی دچار وقفه گردیده و سهام شرکتهای با افت شدیدی روبرو شده است. تولید ناخالص چین ۱۵ تریلیون و ۳۰۰ میلیارد دلار یعنی ۱۷،۵ درصد کل تولید ناخالص داخلی جهانی است. ۵۰ درصد نیروی کار این اقتصاد عظیم در بخش خدمات مشغول است. با شروع کرونا، این بخش ۱۲ درصد افت نشان میدهد که بحرانی را در اقتصاد چین باعث گردیده است. در عین حال اقتصاد چین در بخش زیربنائی ۳۰ درصد و در بخش ساختمانی ۱۶ درصد افت کرده است و خرید و فروش املاک ۴۰ درصد و تولیدات صنعتی ۱۲،۵ درصد کاهش نشان میدهد.

کاهش ۱۴ درصدی سهام اپل آلمان و آمریکا که

علیه ویروس کرونا؛ علیه ویروس جمهوری اسلامی



کسب کرده اند. یکی از ابزارهای مهم سود دهی برای این بخشهای تولیدی، ایجاد هراس و نا امنی در بین مردم است. با این وسیله مردم برای حفظ شرایط مساعد چند روز بیشتر از زندگی خود به فروشگاه های مواد غذایی، داروخانه ها، مغازه های نوشته افزار برای کودکانشان که به جای مدرسه باید در خانه درس بخوانند، هجوم میبرند. مغازه ها آن چنان سریع خالی و پر میشوند که حتی کارخانجات تولیدی نیز نمیتوانند در سطح نیازهای کاذب خریداران خود، تولید کنند.

سرمایه داری همه چیز را کالا می بیند. همه چیز برای او قابل خرید و فروش است. لذا او برای کسب سود روی نعش میلیونها پا میگذارد و رد میشود. در حالی که مردم به ماسک جلوی دهان و دستکش بیش از هر دارویی نیاز دارند، عده ای با پشتیبانی دولت‌مردان کشور خود به احتکار این وسائل میپردازند.

سعید نمکی، وزیر بهداشت، میپرسد: «این شبکه فرصت طلب بی انصاف از کجا خاطر جمعی دارد که این گونه جسورانه رو به روی مردم و مسئولین می ایستد و به راحتی اعلام می کند که ۲۰۰ میلیون ماسک را می تواند ۲۴ ساعته با فلان قیمت در فلان جا عرضه کند؟». او ادامه میدهد که «متأسفانه پس از حدود ۱۰ روز فقط یک میلیون عدد ماسک تحویل و بقیه می دانم در کجا انباشته شده...»

به علاوه، ۲۵ میلیون دست کش لاتکس از یک انبار در پردیس، ۴ میلیون دست کش پزشکی در اهواز، ۲۰۰ تن مواد شوینده و ضدعفونی در اسلام آباد غرب، ۵ تن ژل ضدعفونی کننده در البرز، ۷۳ میلیون اقلام بهداشتی احتکار شده در تهران، کشف شد... به بیان دیگر شبکه های مافیائی که در دولت هم نفوذ دارند - والا جرأت چنین کاری را نداشتند - نیازهای اساسی و فوری مردم را احتکار کرده تا گران بفروشند.

البته این رویداد فقط متعلق به جنایتکاران ایرانی نیست. چنین پدیده های فاسدی در تمام کشورهای سرمایه داری یافت میشود و امروز در زمینه کرونا مشخص عمل میکند. مثلاً در آلمان ۵۰ هزار ماسک گم شده ولی هنوز هیچ کس نمیداند بر سر این ماسکها چه آمده است. طبق سایت BBC ۲۰۲۰/۳/۲۱ دو سناتور آمریکائی به سوء استفاده مالی از رانت اطلاعاتی درباره شیوع کرونا متهم شدند.

در عین حال سرمایه داری به ویژه امپریالیسم با شدت به اندیشه های اندیویدوآلیستی دامن میزند. هر کس باید فقط به فکر خودش باشد. وقتی خانم مرکل، صدر اعظم آلمان، در مورد رفتار مردم در مقابل کرونا از " ما جامعه ای هستیم که زندگی تک تک انسانها برایمان ارزش دارد....." حرف میزند، هدف اش کم کردن مخارج شرکت های انحصاری درمانی و سازش طبقاتیست. زیرا وقتی کارگران برای دست مزد محقانه خود و برای هشت ساعت روز کار مبارزه میکنند، خانم مرکل یادش میرود که تک تک این کارگران طبق گفته

با شرکت آلمان، فرانسه، بریتانیا و ترکیه برای حل بحران موجود تشکیل داده اند. البته نه در خدمت پناهجویان بلکه جهت توافق با ترکیه تا این کشور پناهجویان را در مرزهای آسیائی متوقف کند.

دولتهای بزرگ سرمایه داری به نجات سرمایه های کوچک هم نمیدانیدند. آنها در تلاش نجات سرمایه های بزرگ جهانی و حفاظت از نظم اجتماعی سرمایه داری هستند. این دولتها قول داده اند که از مؤسساتی که به حکم دولتی جهت مقابله با ویروس کرونا تعطیل میشوند، حمایت مالی کند. مثلاً دولتهای آمریکا، بریتانیا و آلمان قول داده اند که به شرکتهای کوچک و بزرگی که در این روند متضرر میشوند با نرخ بانکی کم وام پرداخت کنند: آمریکا ۲ تریلیون دلار، بریتانیا ۳۳۰ میلیارد دلار در نظر گرفته اند و دولت آلمان به طور تخمینی ۹ میلیارد و ۶۰۰ میلیون کمک به مردم را اختصاص داده است. این مبالغ نسبت به کل جمعیت کار و زحمت در این کشورها بسیار ناچیز است و فقط میتواند امکانات جزئی در اختیار این مردم بگذارد و با نگهداریشان در خط فقر، از غلیان آنها جلو گیرد.

چه کسی نمیداند که در دریافت این وامها، شرکتهای بزرگ بر شرکتهای کوچک مقدمند و ارجحیت دارند؟ همان طوری که در بحران ۲۰۰۸ دولت آلمان فقط به بانکها و بیمه ها ۵۰۰ میلیارد یورو کمک کرد ولی مؤسسات کوچک در حال ورشکستگی چیزی نصیب شان نشد.

در آمریکا یک سیستم بیمه درمانی اجباری همگانی وجود ندارد. در این شرایط خطرناک اکثر مردم در این مورد بی پشتیبان هستند. دولت مردان آمریکا در گفتارهای خود تأکید کرده اند که تمام مردم از بیمه های درمانی برخوردار خواهند شد ولی در عمل چنین امری حادث نگردیده است. تقریباً اکثر آمریکاییها آنقدر از نظر مالی محروم هستند که حتی ۵۰۰ دلار پس انداز هم ندارند و هیچ مبلغی را نیز برای بازنشستگی نمی گذارند و نمیتوانند هزینه های درمانی ناشی از کرونا را پرداخت کنند. به همین جهت در یک نظر خواهی ۶۰ درصد مردم آمریکا معتقدند که این بیماری وضعیت کشور را بسیار وخیم خواهد کرد.

در حالی که بخشی از تولید بین المللی ناشی از کرونا و سیاست دولتهای سرمایه داری فروکش کرده است، طبق قانون حرکت ناموزون سرمایه جهانی، بخش دیگرش در بالاترین درجه سود دهیست. برای کنسرنها و مافیای جهانی مواد غذایی، کنسرنهای دارویی و تکنولوژی پیشرفته (سازندگان کمپیوتر)، شرکتهای بزرگ سازنده نوشته افزار و فروشگاه های اینترنتی مثل آمازون که با ظهور کرونا و افزایش باور نگرانی مشتریان ۱۰۰ هزار نیروی کار استخدام میکند، شیوع و گسترش کرونا موهبتی است. آنها با فروشی که در صد سال گذشته بی نظیر بوده است، میلیاردها دلار سود

با شیوع بیماری کرونا همراه گردیده، بر اقتصاد آمریکا و اروپا ضربه بزرگی وارد ساخته است. بورس آسیا ۲ درصد و تحت تأثیر آن، بورس اروپا ۴ درصد افت نشان میدهد. بازار سهام لندن ۵ درصد افت داشته است. در عین حال کاهش شدید سهام بورس شرکتهای خودرو سازی، و کاهش قیمت نفت کل اقتصاد جهانی را میلرزاند. در تمام کشورها این پروسه جریان دارد و ضربات مهلکی بر اقتصاد جهانی وارد آورده است. تلاش کشورهای سرمایه داری برای جلوگیری از این کاهش رو به تزاید است. سرمایه داری مایل است که کارگران در وسیعترین و گسترده ترین ابعادش، در کارخانه و کارگاه مشغول تولید ارزش اضافه - سرمایه - باشند. با در نظر گرفتن این واقعیت است که تلاش دولت کشورهای سرمایه داری مفهوم و هدف واقعی اش را نشان میدهد و افشا میگردد.

برای روشنائی بیشتر اهداف سرمایه داری در جلوگیری از گسترش کرونا و مبارزه با آن، میتوانیم ذره بین را روی پناهجویان بی دفاع تمرکز دهیم دولتهای آمریکا، روسیه، آلمان و انگلستان در خاورمیانه جنگ برپا میکنند و با ایجاد تنش، هزاران میلیارد دلار اسلحه میفروشند. کشورها را به ویرانه تبدیل میکنند و مردمانشان را میکشند و آواره میکنند. این آوارگان باید یک جایی پناه گیرند، باید یک جایی سرپناه داشته باشند. لاجرم سمت کشورهای سرمایه داری را در پیش میگیرند. سرمایه داری مرزها را به روی دهها هزار نفر می بندد.

برای مثال تعداد پناهجویان در اردوگاه های مختلف از جمله یونان (حدود یک میلیون)، بنگلادش (صدها هزار روهنگیائی) و کنیا (۵۰۰ هزار سومالیائی و سودان جنوبی) و هزاران پناهجوی لبنانی در خطر بزرگ ابتلا به کرونا قرار دارند. در آنجا انبوه زباله، محیط آلوده به انواع باکتریها، سوء تغذیه، فساد روابط اجتماعی و غیر شرایط را برای کرونا مساعد کرده است.

ولی نه تنها دست هیچ دولتی به یاری آنها دراز نمیشود، بلکه فشارهای طاقت فرسای جسمی و روحی و نگهداری آنها در همان شرایط خطرناک و تمایل به نابودیشان، سیاست دولتها نیست که فریاد انسان دوستی شان در این روزها گوش فلک را کر میکند و تشدید مبارزه جهانی علیه کرونا را سر میدهند. این پناهجویان نه تنها مهتری از این نظام سرمایه داری نمی بینند بلکه مرزبانان این نظام، آنها را مورد شدیدترین ضرب و شتمها و تحقیرها قرار میدهند. سرمایه داران جهان به سرنوشت انسان نمیدانیدند. اندیشه آنها نجات تولید و سرمایه است. امروز مسأله پناهجویان به اهمی تبدیل گشته است که دولتها به وسیله آن رقبای را تحت فشار قرار میدهند. دولتهای اروپائی بر مبنای منافعشان از تهاجم ترکیه به سوریه حمایت نکردند. ترکیه مرزهای خود را به روی پناهجویان باز کرد و آنها را به مرزهای اروپا رساند. حال اروپا تحت فشار است و کنفرانسی





خودش باید برایش ارزش داشته باشند.

در هر سال ۹ میلیون نفر از گرسنگی میمیرند یعنی ۲۵ هزار مرگ و میر در روز. سرمایه داران و صاحبان ابر کنسرن های جهانی و نمایندگان آنها از جمله خانم مرکل ککشان هم نمیگذرد چون برای زندگی انسانها ارزش قائل نیستند. ولی حال که جان خود و خانواده اش و میلیاردها سرمایه شرکتها بزرگ جهانی در خطر قرار گرفته است، از ارزش زندگی انسان حرف میزنند.

به هر جهت اندیویدوآلیسم بورژوازی چنان در طول دهها و چند صد سال در بدنه جامعه نفوذ کرده است که در شرایط اضطراری هر کس به فکر خویش است و پا روی نعش هم میگذارند. با ظاهر شدن ویروس کرونا در جهان و شیوع آن در شهرهای مختلف، مردم به فروشگاههای مواد غذایی، داروخانه ها و فروشگاههای مواد تمیزکننده و نظافت هجوم بردند. هر کس بدون در نظر گرفتن ظرفیت فروشگاه و نیاز افراد دیگر سبدهای خرید خود را مملو از همه چیز میکرد. به طوری که برای بعضی از مواد واقعا مورد احتیاج عمومی قحطی مصنوعی به وجود آمده است. این پدیده مربوط به کل ساختار سرمایه داری جهانیست؛ ایجاد قحطی مصنوعی توسط خود مردم.

ویروس کرونا فاتح و یکه تاز در حال پیشروی و کشتار روزافزون است. مردم جهان از جلوی پیش میگریزند و در انتظار واکنش ضد کرونا لحظه شماری میکنند. این مهمترین نیاز مردم جهان در این روزهاست. دقیقا بر مبنای چنین نیازی طمع بخشهای بورژوازی بزرگ، جان تازه ای گرفته است. هر کشوری میخواهد این واکنش توسط لابراتوارهای خودش تهیه شود تا به سود میلیارد میلیاردی برسد. برای آنها زندگی و حیات مردم چندان اهمیتی ندارد همان طور که کشتار آنها در سوریه، افغانستان، لیبی معنائی نداشت و ندارد. امروز مسابقه چین، آمریکا، آلمان، انگلیس و فرانسه وغیره... بر سر این است که کدام یک سریعتر به تولید این واکنش نائل میابند و سود آن را نصیب خود میکنند. در این روند هر کدام میگویند که ما اخر کاریم. همین روزها آن را به بازار میاوریم.

دولت ترامپ از همه وقیحتر عمل میکند. او تلاش کرد که متخصصین شرکت داروئی Curevac آلمان را با تطمیع و پول زیاد به آمریکا بکشاند. ولی در ۳ مارس مسئول این شرکت داروئی قضیه را فاش ساخت. سپس وزیر بهداشتی آلمان در مقابله با دسیسه آمریکا گفت: «دولت آلمان بسیار راغب است که ماده مؤثر و واکنش ضد ویروس جدید کرونا همینطور در آلمان و اروپا تهیه شود». آمریکا نقدا در این صحنه رقابت عقب مانده است.

کرونا در جهان در حال گسترش و گرفتن قربانی است. گفته میشود که یکی از راههای پیشگیری این بیماری. ماندن در خانه است. البته این یکی از راههاست. ولی سرمایه داری از کرونا به عنوان ابزاری جهت پیشبرد سیاستهای خود استفاده میکنند. در ایران میخواهند با کرونا زندانبان

سیاسی را نابود کنند، در اروپا به یاری کرونا جنبش کارگری را میخوابانند و با فرستادن مردم به خانه، اهداف سیاسی خود را مخفیانه دنبال میکنند.

در ۲۰۲۰/۳/۲۱ حدود ۴۰۰۰۰ سرباز آمریکائی با تجهیزات سبک و سنگین مثل تانک، نفربر و... در اروپا، آرام و بی صدا، به گشت زنی مشغول شدند. باندهای مافیائی بر زمینه نیاز واقعی مردم به وجود میابند و ظاهرا کسی هم از مکان آنها با خبر نمیشود.

نظام سرمایه داری همه اقداماتش در جهت استثمار نیروی کار و کسب ابر سود میباشد. بعد از پیروزی بر کرونا که معلوم نیست کی اتفاق خواهد افتاد، ضررهای اقتصادی ناشی از آن را نیز با استثمار شدیدتر نیروی کار در سطح بین المللی جبران خواهند کرد. لذا بعد از کرونا باید به پیشواز جنبشهای میلیونی کارگران و دیگر زحمتکشان جهان برویم. خواست این جنبشها دیگر در قالب نظام فاسد و پوسیده سرمایه داری نمی گنجد. جهان گامی دیگر آماده پذیرش سوسیالیسم خواهد گردید. خود را آماده کنیم.

۲۰۲۰/۳/۲۳

## کرونا در ایران

کمک مردم شتافتند و بی دریغ بسیاری از آنها جان خود را در خدمت به بیماران از دست می دادند. با درک خطرات این ویروس در مراحل اولیه با بی اهمیتی عمومی آنها بعلت سکوت دولت روبرو شد اما در ادامه خود همیاری عمومی و تشکیل گروههای کمک خود جوش بویژه از طرف جوانان گسترش یافته است. امروزه بسیاری از خدمات و همیاری های عمومی از طریق همین گروهها که معمولا در رسانه های رسمی ناپیدا هستند انجام می شود.

این حس و اخلاق بزرگ انسانی که در این دنیای بی رحم مالکیت خصوصی و سود بی مهبا از ترس و مرگ به کمک دیگران می شتابند، از احترامی عمیق در بین بیماران و مردم انسان دوست و با شرافت برخوردار است و ما از آنها، فداکاری و ازخود گذشتگی را یاد می گیریم. و با همه خانواده های آنانی که عزیزان خود را در این ضایعه از دست داده اند، خود را همدرد می دانیم. درسهایی که این انسان های بزرگ در این جنگ بی رحمانه بین مرگ و زندگی به جهان کنونی داده و می دهند، تلاش ما را برای تغییر این دنیای ستمگر و استثمارگر چندین باره تقویت خواهد کرد. آنها در شرایطی به کمک انسان های نیازمند رفته اند که مدیران و مسئولین این نظام بی کفایت و دزد در حال تهیه امکانات بهداشتی

برای خود و اطرافیانشان بودند. با از دست رفتن کنترل ویروس کرونا و فوت تعداد زیادی از افراد جامعه، خامنه ای به یک مقام نظامی مسئولیت ایجاد ستاد ملی مبارزه با کرونا تحت مسئولیت روحانی را داد. سپردن چنین ستاد حساسی در شرایط کنونی یعنی نظامی کردن بخشی از حاکمیت سیاسی آنها در زمانی که مجلس به عنوان نماینده قوه مقننه تعطیل است. سپاه پاسداران مدتهاست که عملا همه کاره کشور شده است. کنترل گمرک ها و حضور گسترده در شرکت های اقتصادی تا سازمان های دیگر نظامی و اطلاعاتی و امنیتی، بخش های رسانه ای و اینترنتی و مبارزه با نیروهای مخالف رژیم و خلاصه هر جا که قدرتی حضور دارد یک سر آن سپاه پاسداران است. عملا استفاده و یا سوء استفاده ای ظرفیتهای آنرا در بالاترین نهادهای قدرت بصورت کوتاه کردن عملی دست دولت و مجلس از تصمیم گیری و قانون گذاری انجام گرفته است، که در آینده تاثیرات آنرا در صف بندی جناح های مختلف رژیم نشان خواهد داد. آنچه که روشن است، حلقه قدرت در ایران با تضاد های بیشتر مردم با رژیم، تنگتر می شود.

بحران اجتماعی که این روزها گریبانگیر کل جامعه است. تاثیرات مختلفی روی طبقات اجتماعی گذاشته است. اقتصاد بیمار ایران با کمبودهای مواد بهداشتی و گرانی بی در و پیکر آنها روبرو است. تزییق کمک های دولتی آنها در ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان، در وقتی که کار نیست و اکثر کسب و کارهای کوچک یا با حداقل ظرفیت و یا تعطیلی مواجه هستند، فقط نوش دارویی و مُسکینی گذراست، که به مشکلات اکثریت مردم هیچ جواب و راه حلی ارائه نمی دهد.

دوران سختی که امروز نه تنها مردم در ایران با آن دست به گریبان هستند بلکه به معضلی جهانی با هزاران مرگ و صدها هزار بیمار تبدیل شده است، درد مشترک انسان در جوامع ناعادلانه و طبقاتی امروز است. دردی که منافع و سود حاکمین جهان، امکان سازماندهی و مبارزه علیه جنگ میکروبی را توسط مردم دردمند کند و بی اثر می کند.

این امکان که جنگ میکروبی در سطح بین المللی شروع شده است منتفی نیست، اما به هر صورت دوره شیوع این بیماری که اساسا افراد بیمار و سنین بالا را مورد حملات مرگ آور قرار داده است سپری خواهد شد و در آینده ابعاد پنهان و پشت پرده این بحران ویروسی نمایان خواهد گشت. این بحران برای مردم فقیر و زحمتکش جامعه بیش از دیگران آسیب زا است. آنهایی که از دسترسی به امکانات و خدمات بهداشتی، محیط زندگی سالم، آب آشامیدنی، سطح تحصیل کافی محروم هستند، قادر نیستند که همپای دیگران با ویروس کرونا مقابله کنند.

در قرن بیست و یکم علیرغم تکنولوژی پیشرفته ای که بشریت به آن دسترسی پیدا کرده است. هنوز حاکمیت مترجع مذهب، ابران توسل به دعا و

برای رهائی از بلای ویروس و نظام سرمایه داری در سراسر جهان متحد شویم



سازماندهی تشکیلات مخفی همه جانبه برخورد کنند و این معضل را حل نمایند. و لذا هنوز هم این وظیفه جلو پای ما قرار دارد.

### سوم - خواست توده‌ها

برای کار در میان توده‌ها باید از نیازمندی‌های واقعی آنها که امروز اکثراً در تهیدستی زندگی می‌کنند از جمله مسئله نان و آب آنها حرکت کرد کادریهای کمونیستی تنها وقتی موفق می‌شوند که کارگران را به مبارزه ای متشکل در شرایط ایران بکشاند که با کارگران عجین شده باشند، توانایی درک احساسات و نیازمندی‌های آنها را بدست آورده باشند. در چنین حالتی است که کادریها می‌توانند خود را در میان توده‌ی وسیع برای مدت طولانی پنهان کنند. وقتی همه توانمند شوند کار دستگاه‌های امنیتی بس سخت خواهد شد که فعالین اصلی را پیدا کنند.

### چهارم - اتکاء به نیروی خود

تشکیل یک حوزه کوچک کمونیستی در شرایط دیکتاتوری که هم سرمایه داخلی با آن مخالف است و هم امپریالیسم، امر بسیار سختی است و باید کلیه اصول را برای حفظ آن رعایت کرد. اجرای اصل اتکاء به نیروی خود در این امر بسیار یاری دهنده است. اکنون در ایران ما جنبش کارگری داریم که توانسته پیشروان خود را به جامعه تحویل دهد. بنا براین وظیفه سازماندهی ما، سازماندهی همین نیروست. اکنون همه وسایل ارتباطی عمومی برای انتقال نظرات درست و تئوریک موجود است و پیشروان کارگری توانایی استفاده از رسانه‌ها را دارند. بخاطر وجود احزاب چپ در خارج و امکانات تبلیغی آنها گاهی تمایل به خارج از جنبش و نیروی خود بوجود می‌آید که شاخک‌های دستگاه‌های امنیتی چنین ارتباطاتی را زود شناسایی می‌کنند. کادریهایی که در درون جنبش کارگری به کار مخفی می‌پردازند باید کلیه امور خود را با اتکاء به نیروی توده‌ای خود جلو ببرند و یا، از هرگونه ارتباط با بیرون از تشکیلات توده‌ای خود پرهیز کنند. از سوی دیگر وظیفه نیروهای بیرون از جنبش کارگریست که همه جانبه به ارگان‌های علنی جنبش با پوشش‌های مناسب کمک رسانند. هر گونه گرایش سکتاریستی و گروهی‌گری نتیجه‌اش لطمه زدن به سازماندهی مخفی است و بس.

### پنجم - چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

بدون اتحاد هیچگاه نمی‌توان تشکیلات مخفی پایدار و با ثباتی داشت. طبقه کارگر دارای منافع مشترک طبقاتی است و هیچ زمینه مادی برای نفاق و تضاد درونی او موجود نیست. این ایدئولوژی خرده بورژوازی و بورژوازیست که طبقه را دسته بندی می‌کند و با ایجاد دیوارهای نوع تولیدی یا درجه بندی‌های درآمدها، تخم نفاق را در درون طبقه می‌پاشد. از سوی دیگر اپورتونیسم راست و چپ در جنبش کمونیستی که در آخرین تحلیل ریشه در همان ایدئولوژی‌ها دارند باعث اختلاف در درون جنبش کارگری می‌شوند. درست بدین خاطر مبارزه

طبقه کارگر هیچگاه به سازمان‌های کمونیستی در ایران رحم نخواهند کرد و همیشه برای نابودی آنها تلاش می‌کنند. بوروکراسی نظامی و اداری شاهنشاهی با قدرت گیری اسلامیت‌ها تقویت شد و دستگاه‌های امنیتی همچنان باقی ماندند و بر وسعت خود افزودند. بنابراین اکنون که جنبش‌های نوینی چون دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ بوجود آمده‌اند و نیروهای جوانی پا به میدان مبارزه گذارده‌اند وظیفه ماست تجارب خود را در اختیار نیروهای جوانی که این روزها درگیر مبارزه هستند بگذاریم. البته این تجارب از آن گذشته است و باید تنها بعنوان یک راهنما تلقی گردد. مهم این است که اوضاع و شرایط مشخص کنونی در پرتو این تجارب مورد بررسی قرارگیرند و امر سازماندهی به پیش برده شود. در زیر به نکاتی بر خواهیم گشت که برای تربیت کادریهای کمونیست نقش تعیین کننده‌ای در ادامه مبارزه برای سازماندهی لشگر آگاه پرولتاریا داشته است

### یکم - جهان بینی

اصل اساسی در امر سازماندهی کمونیستی درک این نقطه نظر ماتریالیسم تاریخی است که نه خدا و نه شیخ و نه شاه جهان را تا بحال ساخته‌اند. توده‌ها سازنده تاریخند و در دوران جهانی شدن تولید سرمایه داری این کارگران هستند که گورکن سرمایه داری می‌باشند. بنابراین ایجاد یک سازمان رزمنده انقلابی در گرو سازماندهی طبقه کارگر است. امروزه کارگران و خانواده‌هاشان اکثریت بالائی را در جمعیت هشتاد میلیونی ایران تشکیل میدهند

چنانچه براین آمار اقبال دیگر حاشیه نشینان و تهی‌دستان را اضافه کنیم این اکثریت بازم گسترده تر میشود. بنابراین راه ما برای سازماندهی کار مخفی و علنی روشن است. تنها کادریهایی می‌توانند برای مدت طولانی از دست نیروهای ضد کمونیست و ضد انقلابی مصون باشند که خود در میان توده کار و زندگی کنند. این حلقه تعیین کننده حل مناسبات بین کار مخفی و علنی است.

### دوم - انقلاب امر توده‌هاست.

انقلابات و رفم‌های برپا شده در ایران از جمله انقلاب مشروطیت، «انقلاب» سفید شاه و انقلاب بهمن همگی به رهبری طبقه‌ی بورژوازی و در نهایت بسود آن طبقه تحقق یافته است. امروز کمونیستها در پی انقلابی هستند که به رهبری طبقه کارگر و بسود اکثریت عظیم مردم باشد. درست بر اساس چنین برنامه سیاسی است که سازماندهی کمونیستی را باید در میان کارگران انجام داد و ستون فقرات حزب کمونیست را با چنین سازماندهی تضمین کرد. متأسفانه با اینکه در این صد سال گذشته کمونیست‌ها و بطور کلی چپ ایران با این جهان بینی آشنایی داشته‌اند و در ده‌ها نشریه و رسانه‌ی چپ از توده و بویژه در چند دهه‌ی اخیر از کارگران حرف زده‌اند اما هیچگاه نتوانسته‌اند به امر کار مخفی و علنی از دید جهان بینی و نقش خود کارگران در

خرافات و شفا را بجای شیوه‌های علمی بهداشتی و بسیج و سازماندهی و آگاهی مردم از خطری که با آن جامعه درگیر است؛ در تبلیغات خود جلو برده و توصیه می‌کند.

درغم و اندوه فاجعه‌ای که برای بسیاری از جوامع و کشتار و ویروسی انسان‌ها رخ داده است هیچ انسان شرافتمندی نمی‌توان بر آن چشم ببندد و از کنار آن بگذرد. فقط انسان‌هایی مانند رئیس خزانه داری آمریکا می‌توان بگوید؛ ویروس کرونا برای اقتصاد آمریکا خوب است؛.

ویرانی محیط زیست به همراه رقابت و جنگ‌های آشکار و پنهان بهترین شرایط طبیعی و سیاسی را برای رشد و پدیدار شدن ویروس‌هایی از این نوع فراهم آورده است. برای ریشه کن کردن پدیده‌هایی از این دست بشریت مترقی قرن بیست و یکم حتماً با سیستم‌هایی که باعث ایجاد آن هستند و هر از گاهی به کشتار انسان‌ها منجر می‌شود تصفیه حساب تاریخی خواهند کرد و مناسبات نابرابری و عدم امنیت انسان برای تامین یک زندگی عادلانه و برابر به گورستان تاریخ خواهند فرستاد.

ما به همه خانواده‌ها و کسانی که عزیزانشان را در این میان از دست داده‌اند تسلیت می‌گوئیم و راه چاره را اتحاد و همبستگی بیشتر جامعه علیه ویروس کرنا و ویروسی به نام رژیم جمهوری اسلامی می‌دانیم.

## ضرورت کار مخفی و علنی از.....

قدرت سیاسی به زیر می‌کشد و دیکتاتوری خود را مستقر می‌سازد.

حزب رنجبران با حرکت از این نظریه کمونیسم علمی است که وظیفه انقلاب کردن را در دستور دارد. برنامه سیاسی آن از رسالت طبقه کارگر در دوران تاریخی انقلابات پرولتاریائی بر می‌خیزد. هدف حزب سازماندهی طبقه کارگر و دیگر نیروهای مبارز برای سرنگونی نظام سرمایه داری حاکم کنونی در ایران و ایجاد نظام سوسیالیستی، با حاکمیت طبقه کارگر میباشد. درست وجود چنین وظیفه‌ای در برابر طبقه کارگر است که آنرا در عمل به طبقه انقلابی دوران تبدیل کرده است و دشمنی سرمایه داری و نمایندگان سیاسی آنها را علیه خود برانگیخته است. زندگی به انقلابیون و حزب ما ثابت کرده است که سرمایه داران حاکم ایران به آسانی صحنه را ترک نخواهند کرد.

حزب رنجبران بعنوان بخشی از طبقه کارگر طی سال‌های طولانی - بیش از نیم قرن - مبارزه بین مرگ و زندگی را به اشکال گوناگون با دو نظام سلطنتی و اسلامی به پیش برده است. با هر دو نظام سلطنتی و اسلامی در جدالی بین مرگ و زندگی بوده و در این روند بهترین فرزندان حزب، جانشان را بی دریغ در دفاع از آرمان‌های حزب فدا کرده‌اند. ما در عمل آموختیم که دشمنان



برده و درهای صومعه، کنیسه، دیر، خانقاه و مسجد را بسته است. ویروس کوید نوزده راه خود را با سرعتی غیر قابل تصور از ووهان به سراسر جهان پیدا کرد. نه خدا و نه پیغمبر و نه مردگان و روبات‌ها، هیچ کدام نتوانستند این جاندارزده‌ای را ایست دهند. این ذره همچنان به درو کردن قربانیان‌اش مشغول است.

تا قبل از اینکه طبقه کارگر با جهانی‌بینی و بدیل سوسیالیستی‌اش پا به میدان مبارزات اجتماعی بگذارد و بیانیه حزب کمونیست انتشار یابد، ادعای پذیرفته شده این بود که تاریخ را پادشاهان و قهرمانان ساخته‌اند و خدایان توانا و قادر، عشق و مهر را برای بندگان‌شان به ارمغان آورده تا پادشاهان مستبد زیر سایه‌اش و آیت‌الله‌ها و کشیش‌ها نمایندگان‌اش بر روی زمین باشند. برده‌داران و مالکان ارضی با این افسانه‌ها، قرن‌ها برگردۀ اکثریت عظیم مردم سوار شدند و نظام بردگی و ارباب - رعیتی را توجیه کردند. اما تاریخ این گذشته در عین حال لبریز از مقاومت و مبارزه است. این مبارزه همچنان تا امروز ادامه دارد. در ایران ما در این صد سال گذشته بخاطر دخالت قدرت‌های امپریالیستی این مقاومت و مبارزه مسیر سخت و بغرنج تری را طی کرده است. مبارزه علیه کوید ۱۹ در حقیقت چون به کل حاکمیت برمی‌گردد، مبارزه‌ایست در همین مسیر تاریخی. دولت بیمار ما، رژیم جمهوری اسلامی که چرک و خون از پنجه‌هایش جاریست در مبارزه علیه این ویروس در مانده است و قاطبه مردم دیگر هیچگونه اطمینانی به رژیم ندارند. درست برآئر این وضع ویژه چنانچه طبقه کارگر و احزاب و سازمانهای مترقی اقدام مستقیم و جدی برای ارائه یک بدیل مردمی در مبارزه علیه ویروس نکنند چه بسا فاجعه‌ای بس بزرگتر در ایران اتفاق افتد. این روزها در عمل ما شاهدیم که جامعه ایران در کل با چه فاجعه‌ای روبروست. از یکسو حکومت دینی است که سرپا خرافات را به جامعه می‌خوراند و از سوی دیگر نادان و جاهل و دزد است که هیچگونه شرایط بهداشتی و ایمنی برای مردم فراهم نمی‌کند. هر چه جلو می‌رویم دامنه این فاجعه گسترده می‌شود. از اینجاست که وظیفه نیروهای کارگری و جنبش‌های آگاه سیاسی در کارزار اجتماعی علیه کوید نوزده سنگین تر از جوامعی است که دارای نظام‌های حاکم کار آمدی هستند.

ما چه می‌گوئیم و کجا ایستاده ایم؟

### یکم

طبقه کارگر آزادی‌اش در گرو آزادی کل بشریت از یوغ نظام‌های استثمارگر و ستمگر است و برنامه سیاسی‌اش بعنوان گورکن سرمایه داری در این مرحله تاریخی سوسیالیسم است که نجات بشریت را از اینهمه درد ورنج ناشی از نظام‌های تابحال موجود طبقاتی در بر دارد. از این رو طبقه کارگر با تمام وجودش امر مبارزه با ویروس را در دستور دارد. امروز چنین مبارزه‌ای به وظیفه مرکزی نیروهای مترقی جهان تبدیل شده است.

چقدر در میان آنها هستیم؟ ما فرض را بر آن می‌گذاریم که ما پیوندی نداریم یعنی در موقعیت مشکلی قرار داریم. در این صورت مجبوریم از یک روند شناخت و پیدا کردن راه بگذریم. باید ببینیم مراکز تمرکز کارگری کجاست و از میان آنها کدام از این مراکز نشانی از فعالیت کارگری هست. الان در ایران تشکل‌های کارگری موجودند و سال‌ها در مبارزه رو در رویی با صاحب کار و دولت هستند. باید به بررسی این واحدها پرداخت و برای نزدیک شدن به آنها طبق شرایط خود راه پیدا کرد. چنانچه هیچ امکانی نیست باید تلاش کرد با استفاده از امکانات علنی و وسایل مجازی در مراحل اول تاثیر گذار بود. مثالی بزنم الان کارگران از لحاظ معیشتی در وضع بدی بسر می‌برند. سازماندهی یک گروه انتفاعی مستقل بطور علنی و با پوششی مناسب که بشود منطقی آنرا از چشم نیروهای امنیتی پنهان کرد می‌تواند به این پیشروان کارگری و تشکل‌های مستقل یاری رساند. افرادی که مایل به کمک به جنبش کارگری هستند را جمع کرد. همه اینکارها باید علنی صورت گیرد و به هیچ وجه با کار مخفی تداخل نکنند. و همه کسانی که در این سازمان کار می‌کنند نباید مسئولیتی در کار تشکیلات مخفی داشته باشند.

در اوضاع کنونی تمرکز کار باید روی فعالیت‌هایی که به بسیج و سازماندهی علنی کارگران و اقشار دیگر مردم ناراضی می‌انجامد، باشد. بدون وجود چنین سازماندهی‌ای هیچ سازمان مخفی را نباید بوجود آورد. در دوره رژیم شاه برای مدت طولانی ما دارای تشکیلات مخفی سیاسی بودیم و بقول رفیق پرویز واعظ زاده مثل یک بطری در بسته ای بودیم در دریا شناور. بنابراین کادرهای ما باید برای تشکیل سازمان مخفی هنوز کار کنند و عجله در سازماندهی بدون پایه توده‌ای و بدون پوشش توده‌ای نکنند.

تشکیلات ما در خارج هنوز می‌تواند به کار تبلیغی و ترویجی خود ادامه دهد.

### بدیل مردمی

بدیل مردمی در مبارزه جاری علیه ویروس در برابر ویروس واگیر و همه جا گیر چه باید کرد؟ پرولتاریا بعنوان طبقه‌ای که نوید آزادی بشریت را دوقرن است می‌سراید چه موضعی دارد؟ امروز در برخورد به حمله ویروس کرونا در سراسر جهان مواضع گوناگون و راه حل‌های متفاوتی عرضه شده است. چرا اساسا راجع به یک واقعیت و یک پدیده این همه تفاوت و تفسیر و آنقدر اما و چرا‌های مختلف رواج دارد؟ شکی نیست که ظهور ناگهانی ویروس و پراکندگی وسیع و همه جاگیر آن خود زمینه ساز این همه نظرات شده است. ویروس کرونا از بالاترین رده تا پایین‌ترین سطح اجتماعی را خانه نشین کرده است. عملکرد این ویروس کلیه باورهای متافیزیکی را زیر سوال

برای وحدت جنبش کارگری از مبارزه با نظرات انحرافی گروهی گری و هژمونی طلبانه می‌گذرد. دشمنان آشکار طبقه کارگر و دستگاههای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی بهر وسیله می‌توانند نفاق افکنی کنند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند. حزب رنجبران ایران وظیفه خود می‌داند با تمام نیرو از وحدت طبقه و از یکی شدن آن دفاع کند. کار سازماندهی در میان کارگران تنها با پرچم روشن و تاریخی این طبقه امکان دارد." کارگران جهان متحد شوید"

**ششم** - کار خدمت به کارگران و زحمتکش‌شان باید با پوشش علنی باشد، در دوره‌هایی که تشکیلات کمونیستی اکثریت کادرهایش از کارگران نیستند، این کادرها می‌توانند تغییر حرفه بدهند. در گذشته، رفقای تشکیلات ما برای پیوند با جنبش کارگری داوطلبانه تغییر حرفه می‌دادند و چون با نام خود می‌توانستند کار کنند با نام دیگری به کار در میان کارگران می‌پرداختند. ما در دبی و گویت برای مدتی طولانی این شیوه کار را بکار بردیم با اینکه نتایج خوبی بدست آوردیم اما چون کار در میان کارگران مهاجر و بدور از جریان اصلی کارگری در ایران بود، نتوانست تشکیلات را به یک تشکیلات کارگری کمونیستی تبدیل کند. کار درست و کمتر خطر داشتن همانطور که اشاره شد باید توسط خود کارگران پیشرو صورت گیرد. این کادرها باید با نام واقعی خود باشند و کلیه توجیهات را برای حفظ قانونی خود دارا باشند. تجربه نشان می‌دهد قاطی کردن کادر مخفی تشکیلاتی با کادرهایی فعال علنی، اشتباه است و نتیجه بدی ببار می‌آورد. هر گونه ارتباط بین این دو نوع تشکیلات باید با پوشش کاملا توجیه پذیر از نظر قانونی و پلیس امنیتی باشد.

**هفتم** - کار توده‌ای باید در چار چوب امکانات قانونی صورت گیرد

بدون وجود جنبش توده‌ای و توده‌ها امکان سازماندهی موجود نیست. نیروهای پیشرو کارگری از درون جنبش شکل می‌گیرند و پا به میدان مبارزه آگاهانه طبقاتی می‌گذارند. بنابراین کمونیست‌ها باید به جایی روند که جنبش موجود است. علاوه بر اینکه باید جایی کار خود را تمرکز دهند که بزرگترین نیروی کارگری در آنجاست. لنین یکی از سه دلیل پیروزی بلشویک‌ها را پیوند حزب بلشویک را با تمرکز کارگری در روسیه می‌داند و این فاکتور را بعنوان فاکتور درجه اول به حساب می‌آورد. بنا براین ما اکنون برای سازماندهی باید هم جنبشی وهم تمرکزی به موضوع نگاه کنیم اما کلید اینکار اینست که بتوانیم با شناخت همه جانبه امکانات قانونی و استفاده از آن، برای مدت طولانی به کار بپردازیم. کار در چارچوب قانونی نه از خواست ما بلکه از دید طولانی ما برای کار طولانی بر می‌خیزد.

### نتیجه گیری

حال در رابطه با وضع مشخص کنونی چند پرسش مطرح می‌شود: اولین پرسش این است: کارگران کجا هستند و ما





این مبارزه باید از روی دو محور جلو رود محور رو به مردم و محور مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی. چون سیاست رژیم جمهوری اسلامی در خدمت قشر محدودی از دارودسته ی خامنه ایست و بهیچوجه منافع اکثریت مردم را در برنامه اش ندارد نمی خواهد و نمی تواند به نجات اکثریت عظیم مردم ایران پردازد بنابراین داشتنی یک خط مشی سیاسی مستقل مردمی بعنوان الترانیتو و کوشش همه جانبه برای متشکل کردن توده های عظیم مردم به گرد آن همچنان نقش تعیین کننده ای در مبارزه علیه ویروس کرونا دارد. طبق گزارش کار گروه حکومت پیش بینی می شود در عرض دو ماه آینده، حداقل هشتصد و یازده هزار نفر و حداکثر یک میلیون صد و شصت هزار نفر مبتلا به ویروس شوند. در کشوری که در محاصره اقتصادی کامل قرار دارد و از لحاظ امکانات بهداشتی طبق گفته دست اندر کاران جلو جبهه در کلیه زمینه ها کمبود موجود است چگونه می توان با هجوم این ویروس مبارزه کرد؟ دولت فرومانده ای که در راس آن تضادهای اساسی غیر قابل حل در راهبرد مبارزه با این بیماری موجود است و خرافات و متافیزیکی در بالاترین مراکز تصمیم گیری لانه تاریخی کرده است خطر این هست که شاه سلطان صفوی دومی پیدا شود و اعلام کند مشیت الهی در این است که میلیون ها انسان در ایران قربانی شوند.

برای مبارزه درست و سریع با ویروس کرونا طبق تحقیقات مراکز علمی جهانی و سازمان بهداشت وابسته به سازمان ملل قرنطینه کردن و جدا سازی کلید حل درست در این مبارزه است. در ایران تابحال بر عکس عمل شده و می شود. قم یک نمونه مخرب و جنایتکارانه است که صدها نفر قربانی خرافات صنف بی سواد روحانیت شدند و باعث سرعت بخشیدن به پراکنده شدن ویروس در سراسر ایران و حتی کشورهای همسایه شد. هم اکنون دولت روحانی به بهانه وضع بد اقتصادی حتی از پیشنهادات کارگروه خود پیروی نمی کند و با هرگونه قرنطینه کردن متناسب با اوضاع وخیم و آگیری در ایران سر باز می زند.

#### دوم

در عمل کارگران بطور اعم و نیروهائی که در جلو جبهه و پشت جبهه این جنگ با ویروس هستند بطور اخص، بشرطی می توانند نقش مثبت و موثر خود را بازی کنند که بتوانند سیاست درست و پیشنهادهای تعیین شده از طرف کارشناسان را در پیش گیرند و آنرا بکار بندند. کارگران و کارمندان جلو جبهه و صدها پزشک و پرستاری که در خدمت به مردم جان بر کف نهاده اند، با تمام امکانات کمی که دارند، به بهترین وجهی وظایف خودشان را انجام میدهند. اما نیروی جلو جبهه بدون یک پشت جبهه قوی و موثر که طبق نیاز های آن عمل کند موفق نخواهد شد. ووهان چین ویروس را مهار کرد چون در عرض چند روز پشت جبهه توانست چندین بیمارستان هزار نفره بسازد و با تجهیزات کامل در اختیار کارکنان

و روستائی بالا برد.

#### سوم

در جبهه مبارزه برای افکار درست باید به نوسازی سبک کار تبلیغات و ابزار کاری خود پردازیم. مبارزه در این جبهه یکی از مهمترین وظایف در این اوضاع است. با توجه به شکست تبلیغات خرافی و متافیزیکی دولتی، شرایط برای توضیح نقش منفی صنف روحانیت و نقش منفی دین، مساعد گشته است. لذا ترویج ماتریالیسم تاریخی که توده ها سازنده تاریخند، اهمیت بسزائی یافته است. تابوها سقوط می کنند، سرمایه داران رعشه به اندامشان افتاده است. بوق و کرنای رکودی دیگر گوش را میخراشد. در اینجا است که می توانیم اساسی ترین نقطه نظر مارکسیستی را در مورد نقش تعیین کننده نیروی کار، بعنوان نیروی اساسی مولد و انقلاب توضیح دهیم.

#### دیلم

### نقش منصور حکمت در جنبش کمونیستی (۴) - ادامه

برای «جمهوری دموکراتیک انقلابی» میکوشد، فعالیت هایش و اعضایش و نرُم های واقعی و عملی افراد هوادارش کم کم رنگ و بوی سرمایه داری می گیرد. حکمت شلاق انتقاد را روی اعضا فرود می آورد در حالی که باید شلاق را روی خط مشی سیاسی و تعیین نادرست مرحله انقلاب فرود آورد که توسط خود او تدوین شده است. لذا انتقادات سیل گونه او بر اعضای حزب کمونیست تغییری در شرایط و نوع عمل کرد حزب به وجود نمی آورد و نیارود.

این اولین بحران بزرگ حزب کمونیست ایران تحت سیاست و سبک کار منصور حکمت است.

بحران دوم: منصور حکمت یک تروتسکیست شرمنده است. او از موضع تروتسکی به لنین و استالین حمله می کند و کلیه دستاوردها و تاریخ ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی را آگاهانه تحریف می نماید و زیر سؤال می برد.

در مورد عدم امکان «ساختمان سوسیالیسم در یک کشور»، تروتسکی چنین می گوید:

«بدون پشتیبانی مستقیم دولتی توسط پرولتاریای اروپا، طبقه کارگر روسیه نمی تواند قدرت را نگهدارد و حاکمیت موقتی اش به یک دیکتاتوری سوسیالیستی پایدار تحول یابد».<sup>۴</sup>

«طبقه کارگر روسیه با تکیه به نیروی خود، اجتناب ناپذیر در لحظه ای که دهقانان به او پشت می کنند، توسط ضد انقلاب درهم شکسته خواهد شد. برای او راهی باقی نمی ماند، غیر از این که سرنوشت حاکمیت سیاسی اش و در پی آن کل انقلاب روسیه را با سرنوشت انقلاب سوسیالیستی

جلو جبهه بگذارد. امروز کلیه امکانات صنعتی ایران که توانایی تولید دارد در اختیار بیت امام و سپاه پاسداران است؛ آنها باید در اختیار کارگران که تولید کنندگان اصلی هستند قرار گیرند و به شیوه اداره شورایی اداره شوند. از سوی دیگر باید کلیه فعالیت های تولیدی در خدمت این جنگ خانمانسوز باشد. تغییر چنین سیاستی بدست صاحبان کنونی این صنایع از محالاتست. این کار برای اینکه انجام گیرد باید بدست خود کارگران و با همکاری آن ها در شوراهای اداره کارخانه و با کوتاه کردن دست عوامل فاسد و واسطه های دزد و چپاول گر تحقق یابد. موسسات بهداشتی از قبیل درمانگاه ها، آزمایشگاه ها، تولیدات ضد عفونی، لباس های ایمنی، دستکش، ماسک و دهها کالای دیگر باید بدست کارگران در این مراکز صنعتی تولید گردد. تنها راه نجات افشای همه جانبه ناتوانی نظام که نمایندگانش هیچگونه نرُم اخلاقی را در این اوضاع رعایت نمی کنند و همچنان از طریق فروش کالاهای احتکار شده مورد نیاز مردم به خود آنها، طریق غارت را در پیش گرفته اند. این افشاگری باید در صدر برنامه ی هر فعال سیاسی پرولتاریایی باشد. باید افکار عمومی را برای تغییر بنیادی اوضاع بسود اکثریت عظیم مردم آماده سازیم. رژیم جمهوری اسلامی دیگر چون یک درخت پوسیده است. از توانایی اخلاقی و سیاسی خالی است. گرایش عمومی توده های مردم زحمتکش به خود یاری و اداره شورایی است. شکی نیست حاکمان با هرگونه حرکت کارگری وتوده ای برای ایجاد یک جنبش مردمی علیه کرونا مخالفت خواهند کرد. نباید کوچکترین خیال واهی در این زمینه داشت اما باید به اوضاع تغییر یافته توجه کرد. ویروس کرونا بیت امام را محاصره کرده و آقا از ترس کرونا منبرش را ده متر عقب تر برده است، خدا را ضد عفونی کرده و به قرنطینه فرستاده اند، هر روز آمار مردگان با تمام لاپوشی های رژیم، بالا می رود. در چنین شرایطی دیر یا زود هرج و مرجی دامن این جامعه را خواهد گرفت که تنها نیروی منسجم کارگران و متحدان این طبقه می توانند مردم را نجات دهند. زالوهای جامعه تعداد ناچیزی هستند که با حرکت جمعی توده ها پا به فرار خواهند گذاشت. چنین تشکلهایی در شهر و روستا ها چنان از پشتیبانی مردمی برخوردار گردیده است که نیروهای امنیتی یارای مخالفت با آنها را ندارند. هم اکنون در سراسر ایران چنین همکاری ها و سازمان های خود انگیخته به وجود آمده اند. در کردستان گامی فراتر گذاشته و شوراهای شهری مستقل بوجود آورده اند. مبارزه برای گسترش این همیاری با توجه به درماندگی حکومت و فساد سراسری در دستگاه اداری و نظامی رژیم، مهمترین وظیفه در برابر ماست. بدون چنین سازماندهی ای نمیتوان دولت را مجبور به اقدامات اساسی نمود.. باید هرچه بیشتر نقش و توانایی مردم را از طریق ایجاد شوراهای کارخانه ای، محلات، منطقه، شهری

۴- همان جا، صفحه ۹۶-۹۷، نقل قول آلمانی از: نتایج و چشم

اندازه ها، خوانده شده در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۳



در اروپا گره بزند»<sup>۵</sup>.

یک توضیح مختصر تاریخی: بعد از انقلاب ۱۹۱۷ هیچ گاه دهقانان به طبقه کارگر و حزب کمونیست پشت نکردند. دهقانان فقیر و میانه حال همیشه متحد پرولتاریا و حزب کمونیست بلشویک بودند ولی کولاک‌ها - بورژوازی وحشی روستا - از همان آغاز انقلاب اکتبر علیه دهقانان فقیر و میانه حال به ستیز و دشمنی برخاستند. تئوری تروتسکی یک تئوری تسلیم طلبانه است که اراده انقلابی توده‌های پرولتری و دیگر زحمتکشانش را برای انقلاب و رهائی تحلیل می‌برد. نباید انقلاب کرد. زیرا هنوز دولت‌های سوسیالیستی در اروپا تشکیل نشده‌اند. نباید انقلاب کرد زیرا پرولتاریا در مقابل دهقانان قرار می‌گیرد و شکست می‌خورد.

او برای این که چهره تئوری تسلیم طلبانه خود را بپوشاند، شعارهای ایده‌آلیستی و ضد مارکسیستی می‌دهد: «پرولتاریای روسیه می‌بایست با ابتکار خود انقلاب را به خطه اروپا بکشد. انقلاب روسیه به اروپای کهن سرمایه‌داری تهاجم نموده و آن را فتح خواهد کرد.»<sup>۶</sup>

تذ - این انقلاب «با تکیه به نیروی خود شکست می‌خورد» - یک تز خائنه و ضد دیالکتیک ماتریالیستی است. زیرا سرنوشت یک پدیده به ویژه یک پدیده اجتماعی را اساساً تضادهای درون آن تعیین می‌کند نه عوامل خارجی. عوامل خارجی شرط تحول هستند ولی عوامل داخلی اساس تحول‌اند.

دیگر این که تز صدور انقلاب تروتسکی بر مبنای امکانات خود کشورهای اروپائی، بر مبنای آگاهی پرولتاریا و اراده‌اش برای انقلاب که از تکامل مناسبات تولیدی و فعالیت احزاب کمونیست درون هر کشور نشأت می‌گیرد، استوار نیست. می‌شود در امر پیشبرد انقلاب به پرولتاریای کشورهای مختلف یاری رساند ولی ایده کشیدن انقلاب به خطه‌های دیگر، یعنی صادر کردن آن، یک تئوری ارتجاعی بیش نیست.

این تز چنین است: حزب بلشویک باید انقلاب را به کشورهای اروپائی صادر کند. آنوقت وقتی خوب انقلاب سوسیالیستی صادر شد، یعنی وقتی پرولتاریای اتریش و لوکزامبورگ و سویس انقلاب کردند، آنوقت پرولتاریای روسیه می‌تواند با پشتیبانی و تکیه بر آن‌ها پا برجا بماند. این تز هیچ قرابتی با مارکسیسم و اراده پرولتاریا در انقلاب ندارد ولی تا بخواهید به تز صدور انقلاب خمینی شبیه است. و یا آن به این شبیه است. تروتسکی از سال ۱۹۰۵ با ارائه این تزه‌های ضد انقلابی و تسلیم طلبانه در تقابل آشتی ناپذیر با

لنین و استالین قرار گرفت.

خودش می‌گوید: «دقیقاً در مقطع زمانی بین ۹ ژانویه تا اکتبر ۱۹۰۵ نظرات مؤلف در زمینه خصوصیات تکامل انقلاب روسیه با عنوان تئوری «انقلاب پی در پی» شکل گرفت.... تضادها در دولت کارگری در یک کشور عقب مانده با اکثریت قاطع جمعیت دهقانی فقط در مقیاس بین‌المللی در عرصه انقلاب جهانی پرولتاریا می‌توانند راه حل خود را بیابند»<sup>۷</sup>.

لنین بارها به این تز مزخرف انتقاد کرده است. برای نمونه لنین می‌گوید: «تروتسکی در سال ۱۹۰۱-۱۹۰۳ یک ایسکرائی جدی بود و ریازانف نقش او را در کنگره حزب در ۱۹۰۳ به عنوان «چماق لنین» نشان می‌داد. در پایان سال ۱۹۰۳ تروتسکی یک منشویک جدی است، یعنی او از ایسکرائی‌ها به سوی «اکنونیست‌ها» می‌رود.... او در ۱۹۰۴-۱۹۰۵ از منشویکی دور می‌شود و موضع بی ثباتی اتخاذ می‌کند، به طوری که خیلی زود با مارتینف («اکنونیست») همکاری می‌کند، بعد از آن «انقلاب پی در پی» مزخرف چپ را ارائه می‌دهد. ۱۹۰۶-۱۹۰۷ به بلشویکی نزدیک می‌شود، و در اوائل سال ۱۹۰۷ پشتیبانی خود را از روزا لوکزامبورگ اعلام می‌کند...»<sup>۸</sup> نا گفته نماند که «انقلاب پی در پی» تروتسکی حاوی استدلالات او در تقابل ناگزیر دهقانان با پرولتاریا و ضرورت وجود کشورهای سوسیالیستی اروپائی برای برقراری دیکتاتوری پرولتاریا در روسیه بود. یعنی این «انقلاب پی در پی» استدلالات یک انحلال طلب برای خنثی کردن انقلاب در پیش روی بود. دقیقاً با همین دیدگاه نیز تروتسکی و شرکاء مخالف انجام انقلاب در اکتبر ۱۹۱۷ بودند. لنین به این گروه می‌گوید خائنین به پرولتاریا، ولی آن نیروی عظیم طبقاتی که با سرنگون کردن دولت بورژوازی، صحنه اقتصادی و سیاسی جهان را تغییر داد، نه پرولتاریای آلمان بود و نه پرولتاریای لوکزامبورگ و با اتریش. بلکه پرولتاریای پر شمار روسیه بود که تکان خورد و به هم طبقه‌های‌اش در کشورهای دیگر نشان داد که آن‌ها نیز باید تکان بخورند. می‌شود تکان خورد و پیروز شد. برای تروتسکی این مسأله محلی از ارباب نداشت. او راه تسلیم طلبی در پیش گرفته بود.

در بحثی که منصور حکمت و غلام کشاورز شرکت داشتند، غلام کشاورز به روشنی در جانب تروتسکی ایستاده و معتقد بود که ساختمان سوسیالیسم در یک کشور امکان ندارد.

ادامه دارد

## ایران در سالی که گذشت

تهران تحقیق یافت. در سال گذشته بسیاری از فعالین جنبش زنان از جمله نسرین ستوده؛ اتنا دائمی و.....همچنان در زندان ماندند و در دفاع از حقوق زنان در برابر رژیم اسلامی سر خم نکردند. سحر خدایاری دختری که بعلت تلاش برای رفتن به استادبوم ورزشی در دادگاه محکوم شده بود با خود سوزی برگ دیگری از مبارزه در راه آزادی زنان از خود بجای گذاشت.

جمهوری اسلامی با فشار دو جانبه از طرف جنبش زنان برای باز پس گیری حق حضور در مجامع ورزشی و فدراسیون جهانی فوتبال ( فیفا ) روبرو بود. رژیم می دانست که مقاومت بیشتر از یک طرف به مقاومت ورزش دوستان و فوتبالیست ها و نفرت بیشتر آنان از رژیم دامن می زند و از طرف دیگر در سطح جهانی دارای پی آمدهای متعدد از جمله اخراج از بازی های منطقه ای و جهانی خواهد بود. حضور زنان نشان داد که با مقاومت پیگیر و متحد هیچ خواسته محقانه اجتماعی نیست که به ثمر نرسد. این پیروزی آسان بدست نیامد. دهها بار زنانی که توانسته بودند در ورزشگاهها حضور پیدا کنند؛ با تحقیر بیرون انداخته شدند و حتی کتک خوردند ولی عقب نشینستند؛ تا توانستند احکام صادر شده از جانب آیت الله ها و مرتجعین مذهبی علیه حضور زنان را به کاغذ پاره های بی ارزشی تبدیل کنند. این پیروزی همزمان علیه قدرت حاکم و احکام مذهبی هم بود.

آبامه امسال با گران شدن نرخ بنزین از ۱۰۰۰ تومان به ۳۰۰۰ تومان آنهم در شرایطی که کارگران و زحمتکشانش و اقشار کم درآمد زیر بار تورم و فشار اقتصادی کمر خم کرده بودند؛ باعث شد که هزاران نفر در اعتراض به گرانی بنزین به خیابان ها بریزند. ترکیب این بار تظاهرات همچون دیماه ۹۶ از جوانان خانواده های کم درآمد و نیز تحصیل کرده بود. موجی از تظاهرات، صدها شهر ایران را فراگرفت و سرعت از خواست های اقتصادی به خواست های سیاسی کشیده شد. شعار مرگ بر دیکتاتور به شعارهای مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شد. جنبش اعتراضی آبامه نشان داد که سطح تشکل یابی و همبستگی زنان و معلمان و .... رشد و گسترش آن با کوچکترین برآمدها و تحولات بحرانی به سطحی وسیعتر امکان پذیر است. رژیم همچون گذشته دست به کشتار زد تک تیراندازان رژیم در خیابان و زندان ها از هیچ گونه شکنجه و کشتن باز نیاستادند. جمهوری اسلامی تا امروز هم آمار کشته شدگان؛ زندانیان و مفقود شدگان آبامه را اعلام نکرده است. بر طبق معمول خامنه ای حوادث را به خارج از ایران نسبت داد تا تیغ سرکوب را تیزتر کند. بر اساس آخرین آمارتعداد کشته شدگان آبامه بیش از ۱۰۰۰ نفر می باشد. دولت با بستن اینترنت سعی کرد

۵- همان جا، صفحه ۱۰۸-۱۰۹ نقل قول آلمانی از: نتایج و چشم اندازهها، خوانده شده در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۳

<http://www.marxists.org/archiv/trotsky/1906/erg-pers/9-europa.htm>

۶- همان جا، صفحه ۱۰۰، نقل قول آلمانی از: نتایج و چشم اندازهها، خوانده شده در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۳

<http://www.marxists.org/archiv/trotsky/1906/erg-pers/9-europa.htm>

۷- نقل قول از جلد ۶ آثار استالین صفحه ۳۲۷ - ۳۲۸

۸- لنین - درباره اخلاخ در وحدت - مجموعه آثار -

جلد ۲۰ - صفحه ۳۴۸ - نوشته در ۳۰ ماه مه ۱۹۱۴





ادامه جنگ در سوریه و یمن، قطعی شدن جدائی انگلستان از اتحادیه اروپا و..... بخشی از مسائل بین المللی بودند که در سال گذشته اتفاق افتاد. با تمام این احوال نمی توان حتی به تمامی حوادث مهم جهان در این نوشته پرداخت.

سال گذشته سرمایه داری در تمامی عرصه های اقتصادی، سیاسی و نظامی جهان به رقابت و درگیری در جهت هژمونی طلبی و یا کسب سود و کنترل بیشتر بازارها به قیمت خانه خرابی و بیکاری گسترده کارگران جهان ادامه داد و جهانی پر از هرج و مرج و نا امن را برای بشریت سال ۹۹ به ارمان گذاشت و نشان داد که آینده جهان را سیستمی دگر باید. سیستمی بدون استثمار و ستم

مهران پیامی

### کابوس مالی در حال ورود (۱)

کابوس مالی در حال ورود: این چنین است زندگی در رویای آمریکا (۱)  
توسط جان دبلیو وایتهد، تحقیقات جهانی - ۲۶ فوریه ۲۰۱۲ اقتصاد دان فرانسوی، فردریک باستیات می گوید: « هنگامی که چپاول و غارت سیرت یا طبیعت گروهی از انسانها در جامعه می شود، با گذشت زمان آنها برای خود یک سیستم قانونی ایجاد می کنند که آن را تأیید می کند و هم چنین یک قانون اخلاقی که آنرا میستاید. » بیاید از اعداد و ارقام صحبت کنیم؟

بدهی ملی (مبلغی که دولت فدرال طی سالها وام گرفته است و باید بازپرداخت کند) ۲۳ تریلیون دلار می باشد و رو به رشد است.

مبلغی که این کشور مدیون است اکنون بیشتر از تولید ناخالص ملی آن است (کلیه محصولات و خدمات تولید شده در یک سال توسط زحمتکشان و اموال تهیه شده توسط شهر وندان). ما سالیانه بیش از ۲۷۰ میلیارد دلار تنها به منظور پرداخت سود به عنوان بدهی کشور (اجتماعی) پرداخت می کنیم. و دو کشور رأس که ما به آنها بدهکاریم، چین و ژاپن هستند.

پیش بینی می شود که کسری ملی ( تفاوت آنچه دولت خرج می کند و درآمدهای دولت بدست می آورد) از یک تریلیون دلار برای هر سال در ۱۰ سال آینده باشد.

ایالات متحده بیش از سایر کشورها در مورد کمک های خارجی هزینه می کند ( تنها ۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷). بیش از ۱۵۰ کشور در سراسر جهان کمک های مالی از مالیات دهندگان در ایالات متحده دریافت می کنند (در اینجا نویسنده خاطر نشان می کند که انگیزه تجاوز برای رأس نظام سرمایه داری غارت کشورهای پیرامونی ست) که بیشتر این کمک ها به خاور میانه، آسیا و آفریقا می رود.

در همین حال، تقریباً ۶۰٪ آمریکایی ها آنقدر

مرحله اول توسط دولت تحت عنوان تعداد شرکت کنندگان قابل قبول با آمارهای تقلبی و مدتی بعد بسیار گسترده از آن یاد شد. این فریبکاری رژیم جمهوری اسلامی به یک سنت طولانی و تاریخی از روحانیت تا کل تاریخ حضور دولت مذهبی اسلامی برمی گردد؛ بارها تکرار شده است.

آخرین حادثه مهم سال ۱۳۹۸ که تا امروز هم ادامه دارد مسئله ویروس کرونا و جان باختن بیش از ۱۸۰۰ نفر و آلوده شدن بیش از ۲۰۰۰۰ نفر بود که بعلت پنهانکاری حاکمین بصورت ناگهانی شیوع آن سیر صعودی را پیموده است.

سال گذشته سالی پر از حوادثی بود که ضرر و زیان های آن بطور مستقیم متوجه طبقات فقیر و تحتانی جامعه بود. در صد تورم به حدود ۱۰ در صد رسید که البته ارقام اولیه شامل برنج، روغن و مواد غذایی و دارویی چند برابر و به حدود ۳۰-۴۰ درصد می رسید. دولت قادر به تعیین حداقل حقوق دستمزد برای سال ۹۹ نشد. حوادث ناشی از کار منتهی به مرگ بر اساس آمارهای

سایت های رسمی داخلی ۸۹۸ نفر در شش ماهه اول سال بوده است. ( با فرض اینکه این آمار ۶۰ درصد واقعیت را توانسته است انتشار دهد). بیکار کردن کارگران در سطح واحدهای کوچک و متوسط و گاه تا سطح ۱۰۰ نفر توسط مدیران دولتی و بخش خصوصی همچنان ادامه داشت و نمونه های بسیار زیادی از جمله: بنا به گزارش دریافتی، بیش از ۲۰۰ تن از کارگران پژوهشی

لردگان روز شنبه ۲ فروردین ماه، از کار اخراج شده اند. کارگران در ایران معمولاً پس از اخراج تا پیدا کردن کار، از هیچ گونه کمک هزینه ای برخوردار نیستند؛ ( منبع سایت موج)، در طی سال گذشته بطور گسترده جلوبرده شده است. در مورد در صد بیکاری باز هم بر اساس آمارهای رسمی داخلی که بسیار کمتر از آمارهای واقعی است، رقم ۱۰/۶- ۱۰/۸ آمده است.

خلاصه کنیم تورم افسارگسیخته همچنان سفره اقشار با درآمدهای پایین را خالی تر کرده است. اعتراضات سال ۹۸

در این سال ما با حداقل ۶۸ مورد اعتصاب و تحصن در ۶ ماهه نخست و کمی بیش از آن تا مقطع بعد از سرنگونی هوایمیای اوکرایین روبرو هستیم. در اوایل امسال فعالین سندیکای نیشکر هفت تپه اسماعیل بخشی و علی نجاتی و..... دستگیر شدند بعد از مدتی علی نجاتی آزاد شد؛ ولی حکومت سپیده قلیان و اسماعیل بخشی را بعد از شکنجه های سخت آزاد کرد. همزمان گردانندگان نشریه گام هم به حبس های طویل المدت محکوم شدند.

دولت با دستگیری سه تن از کانون نویسندگان ایران آنها را به ۱۵ سال و ۶ ماه زندان محکوم کرد.

حوادث دیگر مهمی همچون؛ مقابله اقتصادی چین و آمریکا در مسئله تعرفه های گمرکی؛

که با محدود کردن دامنه اطلاع رسانی از ابعاد خبری آن بکاهد و از گسترش بیشتر آن جلوگیری کند. ماههای بعد از آبانماه این ویژگی را داشت که بر خلاف جنبش های اعتراضی گذشته که بعد از سرکوب و کشت و کشتار تا مدتی آرام می گرفت؛ حتی بعد از کشت و کشتار روزهای نخست ولی اعتراضات در سطحی کمتر همچنان ادامه یافت. تجمع مالباختگان در جلوی موسسه کاسپین؛ کارگران هفت تپه برای تحقق وعده های مدیریت؛ اعتصاب معلمان در مدارس و.... از جمله اعتراضاتی بود که نشان داد ترس عمومی از سرکوب های رژیم و حاکمیت ریخته شده است. در عین حال این حوادث نشان داد در موقعیت هایی که اتحاد و همبستگی در اعتراضات و تظاهرات محکم بوده است؛ ما شاهد پیروزی و پیشروی های حتی مقطعی بوده ایم. عقب نشینی در رابطه با هیکو نمونه مثبتی است که دولت ناشی از فشار کارگران، فروش مجدد آنرا به تعویق انداخت و دولت مجبور شد که در رابطه با مالکیت این شرکت دخالت کند.

هنوز اعتراضات آبانماه در جریان بود که تشنجات سیاسی بین آمریکا و ایران مجدداً تشدید شد. حملات به مواضع شرکت نفتی آرامکو عربستان؛ بمباران یمن؛ مصادره کشتی های ایران تحت عنوان قاچاق اسلحه برای یمن؛ حمله مجدد به یک پهباد آمریکایی؛ کشتن قاسم سلیمانی در عراق؛ حمله نیروهای حشدالشعبی به آمریکا و..... نهایتاً حمله موشکی ایران به دو پایگاه آمریکا در عراق؛ بخشی از تقابلات ایران و آمریکا بود که بطور مسلسل وار پیایی اتفاق افتاد.

این تقابلات موضعی و سرنگونی هوایمیای اوکرایینی توسط موشک های نیروهای نظامی و پنهانکاری رژیم که به کشته شدن ۱۷۶ نفر انجامید به خشم عمومی ناشی از دروغ گویی رژیم دامن زد و بار دیگر هزاران دانشجو و جوانان در اعتراض به این کشتار دست به تحصن و تظاهرات زدند. دولت بعد از کشته شدن قاسم سلیمانی و برای بدست گرفتن جو جامعه، تظاهرات و راهپیمایی بزرگی را از نیروهای دولتی اعم از نظامی و کارمندان دولتی سازماندهی کرد؛ تا به بهانه آن بتواند افراد و نیروهایی را که بعلت فشارهای اقتصادی در تظاهرات آبانماه و دیگر اعتراضات اجتماعی از دست داده بود جمع آوری کرده و با آن بتواند انتخابات اسفند ماه را جلو برد.

هنوز انتخابات اسفندماه در پیش بود که دولت فراخوان سالگرد انقلاب را داد که با عدم استقبال مردم روبرو شد. این اولین باری بود که در طول عمر رژیم خیابان ها خلوت بود و رژیم سعی کرده بود با تجمع و تبلیغ موضعی این شکست را پنهان کند. انتخابات وضعی بدتر از فراخوان ۲۲ بهمن داشت. اکثر صندوق های رای نه خلوت که خالی بود. این شکست که آشکارا عدم مشروعیت ظاهری رژیم را هم به چالش کشیده بود در



فعال قانون اساسی در آگهی درگذشت شیخ خاطرنشان کرد، «در جامعه ایکه وحشت بیش از اندازه از دولت به ویژه آی آر اس وجود دارد، احتمالاً [شیخ] مؤثر ترین معلم در مورد عملکرد غیر قانونی در مورد پرداخت غیر قانونی مالیات و اجرای قانون فدرال بود. در مقابل قانون ایستادن کار بسیار دشواری ست و او بهای بسیار سنگینی پرداخت.

در مقابل قدرت ایستادن هنوز کار بسیار دشواری است، و کسانی که این کار را می کنند، بهای سنگینی را می پردازند.

در حالیکه دولت بهر کاری که مایل است ادامه می دهد - باج گیری به صورت مالیات ها، بدهی های دولت را کاهش دادن، به طرز ظالمانه و غیر مسئولانه خرج کردن - بدون ذره ای احساس برای شهروندان نیازمندش.

با گفتن تمام این نکات، تمام آن جنگهایی که امپریالیسم آمریکا مشتاقانه برای جنگیدن شرکت می کند تماماً با بودجه وام تامین می شود (البته شرکتهای غول پیکر که به آن مناطق میروند غارت می کنند و مالیات هم نمی دهند - مترجم). همانطور که مجله آتلانتیک گزارش می دهد، «اکنون ۱۵ سال است که ایالات متحده آمریکا این جنگها را بر روی کارت اعتباری قرار داده است... رهبران ایالات متحده اساساً با این بدهی ها در حال ورشکستگی هستند، به شکل خرید اوراق خزانه داری آمریکا توسط نهادهای مستقر در آمریکا مانند صندوق حقوق بازنشستگی، صندوق های ایالتی و دولتی و کشورهایمانند چین و ژاپن».

اگر آمریکایی ها امور مالی شخصی خود را مثل نحوه مدیریت دولت مالی کشور مدیریت می کردند، اکنون همه ما در زندان بدهکاران می بودیم.

هنوز هم دولت مصرانه، غافلگیر و منصرف نشده در به چنگ آوردن پول باقی می ماند.

در حالی که ما در تلاش هستیم تا بتوانیم تصمیمات سختی درباره نحوه خرج کردن پول کمی که برای امرار معاش داریم، البته پس از آنکه دولت فدرال، ایالتی و محلی سهم خود را از ما میگیرند، در جیب های ما تعلق می گیرد (این شامل مالیات های نهانی نیست که از طریق عوارض، جریمه، و جریمه های مالی دیگر به ما اعمال می شود)، دولت پلیسی در حال خرج کردن دلارهای مالیاتی که ما به سختی درآوردیم است تا بتواند قدرت خود را به منظور کنترل و مهار شهروندان خود بیشتر کند.

به عنوان مثال، مالیات دهندگان آمریکایی از تاریخ ۱۱ سپتامبر مجبور شده اند بیش از ۶ و نیم تریلیون دلار برای هزینه های تجاوز نظامی علیه کشورهای فقیر و ضعیف بطور بی پایان و به اصطلاح "جنگ با تروریسم" هدر دهند.

این مبلغ تقریباً ۲۳۰۰۰ دلار برای هر شهروند مالیات دهنده برای جنگ در تجاوز نظامی درکشور، اشغال کشورهای خارجی، تأمین کمک

اگر شما جرات هیچ ادعایی را ندارید، هیچ صدایی ندارید و هیچ گزینه ای ندارید وقتی مطالبات دولت در باره اموال و پول شما مطرح می شود، شما هرگز آزاد نیستید.

البته همیشه اینگونه نبوده است.

در ابتدای تاریخ این کشور، آمریکائی های اولیه به دلایل حقوق غیر قابل انکار شرح داده شده توسط فیلسوف جان لاک به عنوان حقوق طبیعی زندگی و مالکیت توصیف شده به جنگ پرداختند.

معهد،ا طولی نکشید - در واقع ۱۰۰ سال - قبل از آنکه دولت آمریکا به منظور پرداخت هزینه جنگ داخلی، مالیات از شهروندان مطالبه کند. همانطور که نیویورک تایمز گزارش می دهد، «مقاومت گسترده سراسری منجر به لغو آن در سال ۱۸۷۲ شد.»

مصمم به ادعای برخی از ثروتمندان برای مصارف خاص خود، دولت در سال ۱۸۹۴ مالیات بر درآمد را مجدداً احیا کرد. چارلز پولاک مالیات را غیرقانونی دانست و دیوان عالی ایالات متحده به نفع وی حکم داد. پیروزی پولاک نسبتاً کوتاه بود. اعضای کنگره - متحد در تصمیم خود به منظور پرداخت مالیات بر درآمد مردم آمریکا شدند - با هم متحداً کار کردند تا اصلاحیه قانون اساسی را برای نادیده گرفتن تصمیم پولاک اتخاذ کنند.

ما در عصر جنگهای با سودآوری بسیار هستیم: «جنایات» یک هیولا، دلار های مالیاتی شما در گردش اند

در آستانه جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۱۳، کنگره ایالات متحده با استفاده از شانزدهمین اصلاحیه قانون اساسی و قانون درآمد ۱۹۱۳ بطور دائمی مالیات بر درآمد وضع کرد. براساس قانون درآمد، افراد با درآمد بیش از ۳۰۰۰ دلار از ۱٪ و برای درآمدهای بیش از ۵۰۰ هزار دلار تا ۷٪ مالیات به آنها تعلق می گیرد.

اکنون تمام آن قوانین به زباله دانی تاریخ سپرده شدند.

بدون کوچکترین تعجبی، دولت از قدرت مالیاتی خود برای پیشبرد برنامه های امپریالیستی خود استفاده کرده است و دادگاه ها بارها از قدرت دولت برای مجازات یا زندانی کردن کسانی که از پرداخت مالیات خود امتناع ورزیده اند، حمایت کرده اند.

اروین ای شیخ، یکی از معترضین معروف مالیاتی در کشور بود. او بخش زیادی از زندگی خود را صرف مخالفت با غیر قانونی بودن مالیات بر درآمد کرد و او کیف پولش را جایی گذارد که وجدانش قرار داشت: شیخ در سال ۱۹۷۴ از پرداخت مالیات به دولت فدرال سرپیچی کرد. شیخ نیز بهای سنگینی را برای مقاومت خود پرداخت: او جداگانه سه بار زندانی شد (در کل بیش از ده سال) به دلیل خود داری از پرداخت مالیات. وی در سن ۸۷ سالگی و گذراندن ۱۴ سال زندانی درگذشت. همانطور که رابرت ال شولتز،

از نظر مالی محروم هستند که حتی ۵۰۰ دلار پس انداز هم ندارند و هیچ مبلغی را نیز برای بازنشستگی نمی گذارند، و با این حال مجبور می شوند برای برنامه های (تسلیماتی به منظور تجاوز غارت و جاسوسی - مترجم) دولتی هزینه هایی را پرداخت کنند که هیچ کمکی برای پیشرفت زندگی آنها نمی کند.

خلاق، اگر هنوز آن را مجسم نکرده اید، ما در رویای آمریکائی زندگی می کنیم.

ما در یک کابوس مالی زندگی می کنیم.

دولت ایالات متحده - که شامل دولت کنونی می شود - مبالغی را برای برنامه هایی که قادر به پرداخت آنها نیستیم خرج می کند، و «ما مالیات دهندگان» کسانی هستیم که باید هزینه آنرا بپردازیم.

همانطور که کریستین تیت، تحلیلگر مالی توضیح می دهد، «وقتی دولت صورتحساب بدهی خود را به پایان برساند، همه ما در چنگال آن خواهیم بود.» این در گذشته اتفاق افتاده است: در طول بحران بدهی اروپا، قبرس به منظور تأمین بدهی های خود، وجوه خصوصی را از حسابهای بانکی شهروندان خود را به منظور پوشش بدهی های خود نصاب کرد، با کسانی که برای حفظ پنی های خود بسیار مراقب بودند، می بایست بین ۴۰ تا ۶۰ درصد از دارایی های خود چشم پوشی کنند.

آیا ممکن است اینجا هم اتفاق بیفتد؟ آیا دولت می تواند برای حفظ خود بودجه های خصوصی را تصرف کند؟

به اطراف خود نگاه کنید، این هم اکنون اتفاق می افتد.

از نظر دولت، "ما مردم، رأی دهندگان، مصرف کنندگان و مالیات دهندگان" چیزی مثل کتابهای جیبی آنها هستیم و در انتظاریم که آنها دستبرد ببرند.

در نظر بگیرید، دولت می تواند خانه و اتومبیل شما (که خریداری کرده اید و هزینه آنرا پرداخت کرده اید) به دلیل عدم پرداخت مالیات توقیف کند. مأمورین دولتی می توانند حسابهای بانکی و سایر اشیاء با ارزش شما را مسدود و ضبط کنند، اگر صرفاً به شما "ظن" کنند که "خطا" کردید. و آی آر اس اصرار دارد برای پرداخت برنامه های دولتی از حقوق شما برداشت کند و شما هیچ حرفی برای گفتن هم نخواهی داشت.

ما در مورد نحوه اداره دولت یا چگونگی استفاده از وجوه مالیات دهندگان، شما حقیقتاً حرفی نخواهید داشت که بزنید، اما به هر حال مجبور به پرداخت بی چون و چرا هستیم.

ما حقیقتاً حق اظهار نظر نداریم، اما این مانع نمیشود که دولت مارا در هر نوبت سروکسسه نکند و مجبور به پرداخت هزینه های جنگه های بی پایان برای به اصطلاح حفاظت از ما نکند و یک دولت پلیسی که فقط برای زندانی کردن ما در پشت دیوارهای زندان خدمت می کند بکار میرود.



قوانین قرون وسطانی مذهبی هم مبارزه‌ای پیگیر را جلو برند. خوشبختانه در سال‌های اخیر ناشی از مبارزات پیگیر زنان علیه رژیم ضد زن جمهوری اسلامی و نیز تجربیات مردان جامعه از آپارتاید جنسی، آگاهی نسبت به حقوق زنان در جامعه بالا رفته است. تجربیات تلخ تاریخی و درس‌گیری از اشتباهات آن، ثمرات خوبی داشته است. امروزه طیف وسیعی از نیروهای اجتماعی سازمان‌های چپ و رادیکال، خود را مدافع نظرات رادیکالترین بخش‌های این جنبش می‌دانند. این تحول اجتماعی در پشتیبانی از زنان در نفی ساختارهای نابرابر و مرد سالار چشم انداز نوینی را پیش پای آن گشوده است. مردان جامعه از این نابرابری اجتماعی بشدت متأثر هستند. در حال حاضر هزاران شوهر بعلت عدم امکان پرداخت مهریه در زندان بسر می‌برند. کودکان با جدایی‌ها از دامن مهر مادر جدا می‌شوند و بحران طلاق و جدایی با قوانین اسلامی بسیار بدتر و رنج‌آورتر از دیگر کشورهای سکولار شده است.

جنبش زنان همچون دیگر جنبش‌های اجتماعی این نتیجه تاریخی را که جنبش زنان جزء جدا ناپذیر از مبارزه کل جامعه علیه طبقات استثمارکننده است؛ در مبارزات دو دهه اخیر با همکاری با کارگران، معلمان، پرستاران، مالباختگان، دانشجویان و... نشان داده است. تضاد و بحران‌های سخت اجتماعی، جنبش زنان در سراسر جهان را آبدیده تر کرده است. جنبش مترقی و پیشرویی که برای رهایی می‌جنگد، در واقع برای آزادی و جامعه‌ای می‌رزمند. که در آن منافع خصوصی و تبعیضات طبقاتی محلی از اُرعاب نداشتند باشد.

مهران پیامی

### به یاد رفیق فریبرز رئیس دانا

رفیق فریبرز رئیس دانا درگذشت

چه زندگی بهتر از اینکه تا آخر بخاطر آرمان‌های ولای انسانی علیه رژیم ستمگر و ظالم و فاسد ایستادگی کنی. رفیق فریبرز رئیس دانا هنگامی ما را ترک کرد که طبقه کارگر ایران، توده‌های ستمدیده و قاطبه مردم آزادیخواه به وجودش نیاز داشتند.

حزب رنجبران ایران یک دوست وفادار به سوسیالیسم، مقوام در زندان و بیرون زندان، عضو کانون نویسندگان ایران را ازدست داد، غم فقدانش بس گران دورد آور است. راه رهایی انسان از ستم و استثمار طبقاتی که او بر آن پای می‌فشرد بیشک توسط مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم ادامه خواهد یافت.

یادش گرامی باد

حزب رنجبران ایران

مورد زورگویی و تجاوز قرار می‌گیریم ما در همه جای دنیا به خیابان‌ها می‌آییم تا سیستم‌های نابرابر را به چالش بکشیم و برای صلح، برابری اقتصادی و اجتماعی بجنگیم. او ادامه داد: ما از تاریخ دور برای به سرانجام رساندن حقوق خود که جهانی است آمده‌ایم. در کشورهای دیگر جهان هم شاهد تظاهرات صدها و هزاران نفری زنان در خیابان‌ها بودیم. اکثر تظاهرات و اعتراضات توسط گروه‌های چپ و فمینیست سازماندهی شده بود. البته ما با موارد نادری همچون اسلام آباد پاکستان هم روبرو بودیم که جماعت اسلامی، زنان کاملاً پوشیده در حجاب اسلامی را به خیابان آورد که مورد نیش قلم نویسندگان و روزنامه نویسان پاکستان شد.

خواست زنان در کشورهای مختلف کمی با هم تفاوت داشتند ولی همه آنها در راستای حق برابر و امنیت اجتماعی برای زنان بود. در مکزیک که می‌توان گفت بزرگترین تظاهرات امسال و همراه با درگیری با پلیس بود، خواست زنان تقابل دولت با زن گشوی بود. آمار زنانی که در مکزیک ناشی از خشونت‌های خانوادگی و اجتماعی کشته می‌شوند یکی از بالاترین آمارهای جهانی در این مورد است. با تفاوت‌های اعداد موسسات آماری، هر روز ۵ زن در سرتاسر مکزیک کشته می‌شوند. در بخش کشورهای اروپایی دو خواست مهم مطرح بود، علیه تجاوزات جنسی و دستمزد برابر برای کار برابر. در آمریکا خواست‌های زنان بر روی تجاوزات و خشونت‌های جنسی و خانوادگی متمرکز بود.

امسال میلیونها زن بخاطر بزرگداشت روز جهانی زن و ایجاد همبستگی جهانی بیشتر به خیابان‌ها آمدند (در بالا ادعا شده است که به علت ویروس کرونا تعداد شرکت کنندگان در ۸ مارس کمتر از گذشته بوده است). آنها خواسته‌هایی را فریاد می‌زدند که پی‌آمدهای مستقیم سیستم سرمایه‌داری و مرد سالاری در جوامع بشری است. میلیونها ساعت تلاش در راستای سازماندهی، مصاحبه، نامه‌نگاری‌های اعتراض آمیز، جمع آوری نیرو بخاطر سازماندهی تظاهرات و کمپین‌های اعتراضی، افشاکاری و... حاصل کار زنان در سرتاسر جهان طبقاتی بخاطر برابری زن و مرد و نفی جهان ستمگر و استثمارگر کنونی بود. بایستی به این زنان حتی آنهایی که در دفاع از حق زنان در زندان رژیم‌های ضد زن و مرد سالار بسر می‌برند، دست مریزاد گفت و به کار شایسته‌شان ارج نهاد.

در ایران بیشتر فعالین جنبش زنان، که در بسیاری موارد در زمینه‌های دیگر مبارزات اجتماعی هستند در زندان به سر می‌برند. آتنا دائمی؛ سرین ستوده؛ نرگس محمدی و..... به همین دلیل سازماندهان این اعتراضات فقط یک فعال جنبش زنان نیستند. آنها نه تنها بایستی طبق درخواست زنان علیه ستم جنسیتی و طبقاتی بجنگند، بلکه علاوه بر آن، آنها بایستی علیه

مالی به متحدین خارجی و پر کردن جیب پیمانکاران و چرب کردن دست شخصیت‌های وابسته فاسد خارجی است.

به خاطر داشته باشید که هزینه‌های متناوب ۶ تریلیون دلاری تنها بخشی از هزینه‌های پنتاگون برای امپراتوری نظامی آمریکا است. این هزینه‌های مربوطه نیز در حال رشد هستند.

به این ترتیب، مجتمع صنعتی نظامی حتی ثروتمند ترهم می‌شود و شهروندان مالیات دهنده آمریکایی مجبور می‌شوند حتی بیشتر بودجه برنامه‌هایی را تقبل کنند که کمکی برای تقویت زندگی ما، تضمین شادی و بهزیستی ما یا تضمین آزادی‌های ما داشته باشد.

پایان قسمت یکم

### امسال روز جهانی زن چگونه گذشت

روز جهانی زن (۸ مارس) به عنوان یک سنت در جنبش کمونیستی، بیش از صد سال است که در سراسر جهان برگزار می‌شود. این روز به عنوان سمبل مبارزه، مقاومت زنان علیه نابرابری جنسیتی و طبقاتی و اساساً در دفاع از جنبش کارگری و بویژه زنان کارگر شکل گرفته که در عین حال علیه هر گونه نابرابری انسانی و اجتماعی است. در طی این مدت نیروهای مختلفی در جنبش زنان شکل گرفته‌اند برخی از آنها مانند کمونیست‌ها و سوسیال فمینیست‌ها نقش مثبتی در رشد و گسترش آن ایفاء کرده‌اند و برخی نیز آنرا به سمت مبارزه علیه مردان و نه مرد سالاری کشانده‌اند.

امسال برگزاری روز جهانی زن بعلت شیوع ویروس کرونا وضع ویژه‌ای داشت. در اکثر کشورهایی که دچار این ویروس شده‌اند، دولت‌هایشان اعلام کرده‌اند که بخاطر جلوگیری از شیوع بیشتر از تجمعات پرهیز کنید. با این حال گروه‌های مختلف زنان همچنان کار سازماندهی برای برگزاری این روز را ادامه دادند و صحنه‌های پرشوری از مبارزه و امید و همبستگی جهانی را آفریدند. از آن جمله است شهر مکزیکو که زنان در اعتراض به کشته شدن و بی حقوقی‌شان به خیابان ریختند و در اعتراض با درهای بسته شده برای عبور به طرف پارلمان از جانب دولت مورد حمله پلیس قرار گرفتند. این تظاهرات که با پشتیبانی زاپاتیس‌ها و گروه‌های زنان در محلات و شرکت گروه‌های سیاسی سازماندهی شده بود، موقعیت‌های مناسبی را برای تحرک بیشتر جنبش زنان در مکزیک بوجود آورده است. حضور هزاران تن از زنان ستمدیده نشان داد که با تمام بی حقوقی‌ها، جنبش اعتراضی زنان در مکزیک بسیار پرقدرت و پویا است. در دیگر شهرهای جهان هم ما شاهد تظاهرات هزاران نفری زنان بودیم. در هندوستان نیز نماینده زنان در سخنرانش گفت مهم نیست که ما در کجا و چه محیطی متولد شده‌ایم، مهم این است که ما





## ایران در سالی که گذشت

خرداد ماه یک فروند پهباد آمریکایی در مرزهای جنوبی ایران توسط نیروهای نظامی ایران سرنگون شد. سرنگونی این پهباد با عکس العمل آمریکا و فشار بیشتر به حضور نیروهای دریایی قدرت های غربی انجامید. گروگان کشی از طریق تصرف کشتی ایرانی در باب المندب توسط انگلیس و کشتی انگلیسی توسط ایران در خلیج فارس پی آمدهای قدرت نمایی بود که ایران و عمدتاً آمریکا و انگلیس در آن نقش داشتند. حضور زنان در ورزشگاه ها بعد از سالها مقاومت رژیم جمهوری اسلامی بالاخره در مهر ماه و با بازی فوتبال ایران و کامبوج در ورزشگاه آزادی

نکته دیگری که در سال گذشته در ایران خبر ساز شد. کشته شدن زن دوم نجفی شهردار سابق تهران و از مشاوران دولت روحانی بود که نشان دیگری از کشمکش های درونی باندهای مافیای دولتی در ایران داشت. در این پرونده جنائی که با مسایل امنیتی و آشکار شدن نقش کارگران جنسی سازمان های امنیتی برای شکار مخالفان داخلی و بیرونی رژیم اسلامی همراه بود. بخشی از دزدی های قاچاق از شهرداری تهران مجدداً به جلوی صحنه این کشمکش رانده شد. سال گذشته در عین حال سال تشدید مناقشات و تیره شدن بیشتر رابطه ایران و آمریکا بود. در

سالی که گذشت، سالی پر از رنج و محنت، فشار اقتصادی، امنیتی، سیاسی و مرگ و میر و کشتار انسان های بی گناه بود. سال ۹۸ با سیل در بسیاری از استانهای ایران از جمله همدان، کرمانشاه، خوزستان؛ شیراز و... در فروردین ماه به خرابی بسیاری از خانه ها، زمین های کشاورزی و کشته شدن صدها نفر منجر شد. بخشی از این خرابی ها ناشی از عدم برنامه ریزی در زمینه شهرسازی و حفاظت از طبیعت و آبراه های مسیر سیل ها بود. بر طبق معمول دولت از کمک های مستقیم مردم به آسیب دیدگان این حادثه جلوگیری کرد.

## نقش منصور حکمت در جنبش کمونیستی (۴) - ادامه

را به آن جهتی می برند که خلاف میل ماست... ما هیچ نشانه ای از حزبی که می خواهد جهان را زیر و رو کند در خودمان نمی بینیم.<sup>۲</sup> منصور حکمت در این سخنرانی به اشکال مختلف به اختلاف حرف و عمل در افراد تشکیلات و اجرا نکردن وظائفشان برخورد می کند. در حالی که اختلاف حرف و عمل در حزب کمونیست ایران ریشه در تحلیل نادرست از نیروهای اجتماعی جامعه داشته که خود حکمت باعث و بانی آن بوده است. در یک نظام سرمایه داری (۱۹۸۴) حزبی که به بهانه عدم وجود شرایط عینی و ذهنی جامعه،

حکمت می گوید: «وضعیتی که ما داریم بی شباهت به وضعیتی که این جا می گویم نیست.»<sup>۲</sup> یعنی سیاست و فعالیت هایی که حزب کمونیست ایران در پیش گرفته است مغایر با تصورات منصور حکمت است. او می گوید: پس از دو سال از پذیرفتن مارکسیسم «انقلابی» توسط کنگره سوم کومله و چهار ماه از ایجاد حزب کمونیست، «ما امروز باید تعیین کنیم کدام نیروهای واقعی، کدام گرایش های واقعی، سازمان ما و تشکیلات حزبی ما حکمت - درباره نتایج پلنوم دوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران - اوت ۱۹۸۴

۲- منصور حکمت - درباره نتایج پلنوم دوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران - اوت ۱۹۸۴

۳- همانجا

آغاز بحران  
بحران اول: هنوز چهار ماه از ایجاد حزب کمونیست نگذشته بود که بحران درونی حزب خود را آشکار ساخت. منصور حکمت در سخنرانی خود در اوت ۱۹۸۴، نقل قولی از لینن می آورد که در مورد اجرای طرح نت گفته شده است. لینن در سال ۱۹۲۲ در این سخنرانی چنین می گوید: «یک سال گذشته است. دولت در دست ما بوده اما آیا تحت سیاست اقتصادی نوین این دولت به شیوه ما عمل کرده است. خیر ما نمی خواهیم این را اذعان کنیم. اما واقعیت دارد.»<sup>۱</sup>

۱- نقل قول از لینن - بیان شده توسط منصور

## نوروز پیروز

خواهد آمد. سالی که گذشت سالی پر از حادثه و فشار به کارگران و زحمتکشان جامعه بود. سال که در پیش روی ماست، می تواند با متشکل شدن و اتحاد و همبستگی ما سالی مملو از پیروزی، مبارزه علیه حاکمیت اسلامی و بدست آوردن خواست های بحق مان باشد

حاکمیت با گران کردن کالاها قرار گرفته است و بالاخره اوضاع خطرناکی که برای مردم با شیوع ویروس کرونا بوجود آمده است، جشن نوروز را با غباری از ناراحتی پوشانده است. اما جشن نوروز و فرا رسیدن بهار با تمام مشکلات پیرامون ما، فرخش و شادی آور است. همبستگی و شادی ما همیشه یکی از علل پیروزی ما بر دشمنان مردم و غلبه بر مشکلات بوده است. ما جشن نوروز را به شما تبریک می گوئیم و برای همه انسان های زحمتکش جامعه خواهان شادی و رفاه و آسایشی هستیم که در اتحاد ما بوجود

نوروز این جشن تاریخی منطقه غرب آسیا، قرن ها در زیر فشارها، سرکوب ها، گشت و گشتارها، مهاجرت های عظیم و بلایای طبیعی و انسانی جشن گرفته شده است و به بخشی از فرهنگ مردمان این منطقه تبدیل شده است. امسال هم همچون چند دهه گذشته که ناشی از بحران های اقتصادی و سیاسی جامعه و حضور یک رژیم عقب مانده فرهنگی که همه چیز های غیر مذهبی را نفی می کند و نیز شرایط اسفبار اقتصادی که امان مردم را بریده است و سفره های خالی هر چه بیشتر مورد دستبرد

## با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید:

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:  
Ranjbar  
P.O.Box 5910  
Washington DC  
20016  
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:  
ranjbaran.org@gmail.com  
آدرس غرّفه حزب در اینترنت:  
www.ranjbaran.org

